

قطعه‌نامه در مورد تأثیرات انقلاب زن زندگی آزادی و اولویتهای حزب

مصوب کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری، صفحه ۵



کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری با موفقیت به کار خود پایان داد صفحه ۳

تجمعات شورانگیز و گسترده بازنشستگان

شهلا دانشفر، صفحه ۱۱

انتخابات، یک پست و چند رؤیا

کارگر کارگاهی- حمید دائمی، صفحه ۲

عقب خشکیده به جای مار در جعبه پهلوان قالیاف! صفحه ۸

فراخوان برای ارسال مستندات

حسن صالحی، صفحه ۱۱

۲۰ خرداد: تجمعات هزاران نفر از بازنشستگان در شهرهای مختلف

در تهران، اصفهان، اهواز، کرمانشاه و شوش بازنشستگان تجمع کردند، صفحه ۱۳

قرارهای مصوب در کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری:

قرار در مورد سرپیچی از قوانین و هنجارهای ضد انسانی حکومت، صفحه ۵

قرار در مورد آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی و مدنی، صفحه ۶

قرار در مورد سه جنبش تعیین کننده در روند انقلاب، صفحه ۴

قرار در مورد سه منشور انقلاب زن زندگی آزادی، صفحه ۶

قرار در مورد برآمد مجدد اعتراضات خیابانی، صفحه ۶

قرار در مورد هماهنگی و مبارزه مشترک فعالین و تشکلهای دست‌اندرکار در انقلاب زن زندگی آزادی

صفحه ۷

آکسیون بزرگ در مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار در ژنو

اعتراض به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار، صفحه ۱۴

دیدار با شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، صفحه ۱۵

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۳۵

۲۱ خرداد ۱۴۰۳

۱۰ ژوئن ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

دو سوال از اصغر کریمی
درباره کنگره سیزدهم حزب
کمونیست کارگری
صفحه ۴

کنگره سیزدهم حزب
کمونیست کارگری، آئینه و
افق انقلاب "زن، زندگی،
آزادی"
مهران محبی، صفحه ۷

کنگره حزبی، حرمت
انسانی و القاب
یاشار سهندی، صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد
صفحه ۱۲

کارگران در هفته ای که
گذشت

تنظیم کننده: کارگر
کمونیست، صفحه ۱۰

مدیای اجتماعی
صفحه ۱۶

انتخابات، یک پست و چند رؤیا

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

با به هلاکت رسیدن رئیس جمهور جلال و همراهانش در پی سقوط هلی کوپتر حامل آنان، فاز جدیدی از چالش جمهوری اسلامی با جامعه آغاز شد که از جهاتی می توان آن را خان هفتم عمر ننگینش خواند. نگاه به جوانب مختلف این موضوع موقعیت و وظایف جنبش کارگری را روشن تر می کند.

قبل از هر چیز این نکته حائز اهمیت است که اولاً با وجود کم شدن نمود خیابانی انقلاب زن زندگی آزادی، حکم جامعه نسبت به برجیدن کل بساط جمهوری اسلامی، نه تنها افول نکرده بلکه همه گیر تر و پر قدرت تر شده است. شاهد این قضیه، یکی اینکه اعتراضات و اعتصابات و جنگ علنی خیابانی زنان، کارگران، و بازنشسته ها، پرستاران و ... است که کماکان ادامه دارد و از سویی تحریم انتخابات پیشین (مجلس مفتخوران اسلامی) داشتیم که نزدیک به 80 درصد جامعه با رای ندادن خود اعتراضشان را علنا به کل نظام پوسیده حاکم اعلام کردند. مثال دیگر مرده گردانی قصاب جمهوری شان برای اعاده حیثیت و توقف سیل مطالبات همگانی مردم و جامعه است که با لهله شادی و خوشحالی و برگزاری جشن های گسترده توده ای؛ شاهد اعلام موضع آشکار جامعه به حکم سرنگونگی جمهوری سیاه و جنایتکار بورژوازی اسلامی بودیم.

موقعیت خود رژیم بعد از انقلاب مهسا بشدت متزلزل شده و نقاط اتکا خویش را بسرعت از دست داده و تنها ابزار باقی مانده و تکراری اش، میلیتاریزه کردن و سرکوب هر چه بیشتر جامعه است. در نتیجه گزینه پیش رو و عنصری که قرار است جایگزین رئیسی جلال شود، باید که این ویژگی را تأمین کند. یعنی از دل بحران ها و آشوب های به جا مانده از 45 سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی و همچنین مطالبات رادیکال پس از انقلاب زن زندگی آزادی، در بطن جامعه رو به انفجار بتواند جامعه را کنترل کرده و مهار زند. رژیم نه چنین مهره ای دارد و نه کلا خود قادر به ادامه این روند است.

چالش دیگری که از قبلی کم اهمیت تر نیست؛ رو کردن مهره ای است که در ژست "دموکراتیک" و "مشروعیت" خود و کل نظام را تأمین کند. این چالش از آنرو سخت تر شده که از زمان سرکوب خونین انقلاب ۱۴۰۱ مردم، هم در داخل و هم در سطح جهان، کمترین توهمی به این دو خصلت نداشته جمهوری اسلامی وجود ندارد. نه در داخل و نه در خارج. در یک کلام؛ کل نظام تمام وجاهت و مشروعیت اش را از دست داده است. از اینرو مردم و جامعه جهانی فراموش نکرده است که این مزدوران - چه در مجلس، چه در قوه قضائیه و کابینه نفرت انگیز رئیسی و چه در بیت جنایت و کشتار خامنه ای دیکتاتور - همان هایی هستند که در انظار عمومی؛ مردم را اعم از زنان و کودکان، پیر و جوان، وحشیانه آماج گلوله قرار دادند، صدها نفر را در خیابان کشتند، ده ها هزار نفر را دستگیر، زندانی و شکنجه کرده و با تجاوز و کشتار و اعدام سعی در مرعوب کردن و خاموش کردن شعله انقلاب داشتند.



در این میان موضوع جالب تری که اتفاق افتاده، خیز داوطلبان تسخیر پست ریاست جمهوری است. دزدان ردلی که از گوشه و کنار دستگاه غارتگران که اینبار حفظ نظام اولویت دوم شان است، با هدف چپاول باقی مانده ثروت

و مایملک جامعه به میدان آمده اند. افشای همقطاران برای شان ابزاری است تا بتوانند هرجور شده به این منصب که اسم رمز تسلط بر اموال جامعه است نائل شوند. تا جایی که در ابتدای کار، رهبر دزدان ناچار به تذکر در این مورد شده و خواستار کمتر به گند کشیدن یکدیگر شده است.

چنته خامنه ای خالی تر از آن است که جرات کند مزدوری را نماینده شخص خویش معرفی کند. چرا که نزدیک ترین حلقه به گوشانش هم، برای تضمین این فرصت ترجیح می دهند کم و بیش به انتقاد از او برخیزند و حواریونش نیز لب به انتقاد و گوشه و کنایه باز کرده اند. او هم در صف متحدان سابقش و هم در میان مردم و جامعه جهانی، بی ریشه تر از همیشه شده و از وحشتی که مردم پس از انقلاب مهسا برایش آفریدند بدنبال مهره ای سر سپرده که هم قادر به حفاظت از مال و منال حاصل از غارتش باشد و هم این چند صباح آخر عمرش را در سودای آرامش هدر ندهد، است.

این خلاصه ای از وضعیت رژیم در مانده ای است که راه گریزی از چنگ عدالت خواه مردم و جامعه ندارد. رفقای کارگر!

اکنون نوبت ماست. میدان و شرایط بیش از پیش آماده پیشروی ماست. برای افشاکاری ماهیت انتخابات رژیم و عناصر مزدور تشنه قدرت و غارت، کار چندانی نداریم چراکه خود به اندازه کافی زیر پای خود را خالی می کنند. ما تنها باید به گسترش اعتراضات همت بورزیم. اعتصابات و اعتراضات خود را گسترش دهیم و بخش های دیگر کارگران و مزدبگیران را به صفوف اعتراض و اعتصاب فرا بخوانیم. رژیم مثل سابق قادر به سرکوب نیست. چون نه انسجام لازم را دارد و نه نیروی کافی. اکنون فرصت ماست که خود را به سنگر خیابان بکشانیم. کما اینکه در فاصله رسیدن به روز انتخابات بتوانیم کار رژیم را یکسره کرده و انقلاب مان را به پیروزی برسانیم.

اکنون مردم به جان آمده از فقر و فساد و محرومیت آمده ی هرگونه تعرضی هستند. مردم تشنه آزادی و زندگی و منزلت، مترصد فرصتی برای سرنگون کردن دیکتاتوری سرمایه اسلامی هستند. باید تمرکزمان را بر سر به میدان کشیدن شان بگذاریم. باید انتخابات را به نقطه پایان عمر کثیف سرمایه در ایران بدل کنیم. با تشکل و سازماندهی خود و دیگر هم سرنوشتان خود در صفوف حزب پیشرو و انقلابی کمونیست کارگری، به آرمان و آرزوی دیرینه بشریت جامعه عمل بپوشانیم.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست





کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری با موفقیت به کار خود پایان داد

کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری در روزهای ۱۱ تا ۱۳ خرداد ۱۴۰۳ (۲۱ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴) بصورت حضوری برگزار شد. جلسات و مباحث کنگره علنی بود و مستقیماً و بطور زنده از طریق تلویزیون کانال جدید و شبکه‌های اجتماعی پخش میشد. طبق روال همیشگی از احزاب و سازمان‌های سیاسی، رسانه‌ها و فعالین سیاسی با دیدگاه‌های سیاسی متفاوت برای حضور در کنگره دعوت شده بودند.

کنگره با سرود «برپاخیز برای زن زندگی آزادی» و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی شروع شد و سپس حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود به روند انقلاب زن زندگی آزادی اشاره کرد و گفت انقلاب علیرغم افت و خیزهایش همچنان ادامه دارد. او گفت اینکه مردم اعلام کرده‌اند این صرفاً اعتراض نیست بلکه انقلاب است نشانه عزم و اراده مردم برای تغییرات ریشه‌ای و عمیق، و نفس شعار زن زندگی آزادی که بر پرچم این انقلاب نقش بسته نشاندهنده آرمان و مضمون انسانی خواستهای اکثریت قریب باتفاق مردم ایران است. او در پایان این انقلاب را مهمترین تحول در تاریخ معاصر ایران دانست و اظهار امیدواری کرد که کنگره نیز بتواند مهمترین تحول در تاریخ حزب و اپوزیسیون باشد.

بدنبال سخنرانی افتتاحیه، سه چهره زن سرشناس حزب در عرصه جنبش کارگری، زندانیان سیاسی و جنبش‌رهایی زن، شهلا دانشفر، شیوا محبوبی و شیرین شمس، سخنرانی‌های کوتاهی ایراد کردند.

پس از تصویب آیین‌نامه کنگره، اصغر کریمی رئیس هیات اجرایی، محسن ابراهیمی رئیس دفتر سیاسی و کیان آذر دبیر سازمان جوانان گزارش خود را ارائه دادند. اصغر کریمی در گزارش خود به فعالیت‌های نظری، سیاسی و میدانی حزب در داخل کشور، خارج کشور و کانال جدید بعنوان کانال ۲۴ ساعته انقلاب پرداخت. او به حضور فعال کادرها و فعالین حزب در عرصه‌های مختلف مبارزه و نقش متحدکننده و سازمانگرانه آنها دوش به دوش طیف وسیع فعالین اشاره کرد و اینکه سال‌ها برای جا انداختن رویکرد اجتماعی کار کرده‌ایم، رویکردی که در طول انقلاب زن زندگی آزادی همه‌جانبه‌تر شد و نقش موثری، هم در میان فعالین انقلاب و هم در تقویت نفوذ حزب در داخل و خارج کشور ایفا کرد. رئیس هیات اجرایی همچنین اشاره کرد که انقلاب زن زندگی آزادی حقانیت دیدگاه حزب در مورد انقلاب همگانی، زنانه بودن و ضد مذهبی بودن آن را بیش از پیش مورد تأکید قرار داد.

بخش بعدی کنگره به گزارش مسئولین اختصاص داشت که گزارش بیست و سه ارگان و فونکسیون حزب ارائه شد. کمیته سازمانده، کمیته خارج کشور، کمیته کردستان، کمیته آذربایجان، سازمان جوانان کمونیست، تلویزیون کانال جدید، مالی، فعالیت حزب در مدیای اجتماعی و سایت‌ها و مسئولین حزبی در نهادها و کمیته‌های اعتراضی در عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام، پناهندگی، کارگران زندانی، علیه اسلام سیاسی، دفاع از حقوق کودک، همبستگی مردم ایران و افغانستان، دفاع از کولبران و سوختبران و علیه خشونت به زنان در کردستان، هر کدام گزارش عرصه فعالیت خود را به کنگره ارائه کردند. پس از استماع گزارشات، نمایندگان کنگره حول گزارش به بحث پرداختند و نظرات و ارزیابی خود را از عرصه‌های مختلف فعالیت حزب مطرح کردند. این گزارشات تصویر روشنی از فعالیت همه جانبه حزب در زمینه‌های مختلف و حضور حزب در اعتراضات مختلف را به نمایش می‌گذاشت. در هر سه روز زمان معینی نیز به اظهار نظر مهمانان کنگره اختصاص داشت.

در این کنگره علاوه بر نمایندگان و جمعی از اعضای حزب، هیئت‌هایی از حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمیست، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب چپ ایران، حزب کمونیست کارگری چپ عراق، آترناتیو کمونیستی در عراق، سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان و حزب همبستگی افغانستان حضور داشتند. تعدادی از فعالین سیاسی نیز بعنوان مهمان در کنگره شرکت داشتند. برخی از هیئت‌ها و افرادی که موفق به شرکت در کنگره نشده بودند نیز پیام‌هایی ارسال کرده بودند که در کنگره پخش شد.

در طول کنگره فشرده‌ای از ۳۵ پیام با ۴۹ امضای فردی و گروهی که از فعالین کارگری در نفت و فولاد و هفت‌تپه و دیگر مراکز کارگری، از فعالین حقوق زن، از معلمان و بازنشستگان، از جوانان، خانواده‌های دادخواه، کادر درمان، رنگین‌کمانان، زنان خانه‌دار و از سایر اقشار مردم برای کنگره ارسال شده بود، قرائت گردید. متن این پیام‌ها در نشریه انترناسیونال به چاپ رسیده است.

در این کنگره دو قطعنامه و هفت قرار تصویب شد: قطعنامه در مورد تأثیرات انقلاب زن زندگی آزادی و اولویتهای حزب، قطعنامه در مورد جنبش کارگری، قرار در مورد آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی و مدنی، قرار در مورد برآمد مجدد اعتراضات خیابانی، قرار در مورد در هم شکستن آپارتاید جنسیتی، قرار در مورد سه منشور انقلاب زن زندگی آزادی، قرار در مورد هماهنگی و مبارزه مشترک فعالین و تشکلهای دست‌اندرکار در انقلاب زن زندگی آزادی، قرار در مورد جنگ غزه و قرار در مورد سرپیچی از قوانین و هنجارهای ضد انسانی حکومت. بدلیل ضیق وقت بررسی دو قرار در مورد «چپ، راست و مساله رهبری انقلاب (و) جنبش‌های تعیین کننده در روند انقلاب» (به کمیته مرکزی منتخب کنگره احاله شد).

در فاصله بین دستور جلسات، چندین بیانیه و پیام خطاب به بخش‌های مختلف مردم قرائت شد: بیانیه کنگره، پیام‌های کنگره به زنان ایران، به کارگران، بازنشستگان، خانواده‌های دادخواه، دانشجویان، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها، پیام به مردم جهان به فارسی و انگلیسی، پیام به زنان مبارز افغانستان، پیام به مردم بلوچستان، بیانیه در مورد جنبش علیه اعدام در ایران و بیانیه‌ای تحت عنوان انقلاب صنعتی چهارم و چشم‌انداز سوسیالیسم.

در میثت انتخابات شصت و یک نفر به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند: داود آرام، طه آزادی، پیام آذر، کیان آذر، مسعود آذرنوش، سیاوش آذری، بهنام ابراهیم‌زاده، محسن ابراهیمی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، مینا بهروزی، آذر پویا، پریسا پوینده، حمید تقوایی، امیر توکلی، کیوان جاوید، جلیل جلیلی، طه حسینی، بهمن خانی، سهیلا دالوند، شهلا دانشفر، میترا دانشی، پتی دیونیناس، میلاد رابعی، میلاد رسایی منش، هرمز رها، سیامک زارع، بهرام سروش، هوشیار سروش، سلیمان سیگارچی، کریم شامحمدی، محمد شکوهی، سودابه شکیب، شیرین شمس، مصطفی صابر، سوسن صابری، تهمنینه صادقی، حسن صالحی، کیا صبری، میثم عتیق، جمیل فرزاد، ناصر کشکولی، محمدامین کمانگر، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، عباس



دو سوال از اصغر کریمی - درباره کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری

کنگره حزب کمونیست کارگری در روزهای ۱۱ تا ۱۳ خرداد (۳۱ مه تا ۲ ژوئن) برگزار شد. برجسته‌ترین ویژگی کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری چه‌ها بودند؟

پروزی در میان مردم موج می‌زند، جنبش‌های وسیعی فعال هستند و همانطور که در پاسخ به سؤال قبل توضیح دادم، طیف وسیعی از فعالین خوش‌فکر، مدرن و آزادی‌خواه به میدان آمده‌اند که شناخت و آشنایی با آنها، همراهی و همکاری با آنها و معرفی حزب به آنها در داخل و خارج کشور از اولویت‌های حزب است. در گزارش هیئت اجرایی که به کنگره ارائه دادم گفتم که علی‌رغم اینکه شاهد تظاهرات‌ها و تجمعات خیابانی گسترده نیستیم؛ اما انقلاب در میانه راه است، دلایل و انگیزه‌هایی که به انقلاب منجر شده نه تنها کاهش نیافته؛ بلکه عمیق‌تر شده است، علی‌رغم سرکوب هر روزه روحیه جامعه بالاست، فضای انقلابی در جامعه حاکم است، دانشگاه‌ها مرکز جدال هر روزه است، کردستان به‌عنوان یک سنگر محکم انقلاب همچنان پرتحرک است، بازنشستگان هر روز رادیکال‌تر، متشکل‌تر و آگاهانه‌تر تجمع می‌کنند، بی‌حجابی بارزترین نمود تداوم انقلاب است و به این معنی قدرت دوگانه‌ای جریان دارد و هر لحظه شاهد موج‌های بعدی انقلاب هستیم. روشن است که در چنین شرایطی چه وظایف سنگینی روی دوش حزب قرار دارد.

نفس دستگیری هر روزه طیف وسیعی از فعالین اجتماعی، دانشجو، معلم، کارگر، زن بی‌حجاب، نویسنده، فعال مدیای اجتماعی، دستگیری به جرم بهائی بودن، به جرم دادخواهی و به هزار جرم دیگر نشان می‌دهد که با جامعه‌ای در جوش و خروش و حکومتی وحشت‌زده مواجهیم. بی‌حجابی میلیونی در جریان است، جنبش علیه اعدام فعال است، اعتصابات کارگری و اعتراضات طیف‌های مختلف مردم و افشای مقامات و ارگان‌های حکومت در سراسر کشور هر روز و هر لحظه جریان دارد و این قدر طیف فعال و سازمانده در جامعه گسترده است که رژیم را واقعاً کلافه کرده و یک‌صدم آنها را هم قادر نیست دستگیر کند. همین روزها شاهد مراسم بزرگ خاک‌سپاری مظفر صالح‌نیا، یک فعال کارگری، سیاسی، خوشنام و محبوب در سنندج بودیم، مراسمی که یک آکسیون سیاسی علیه حکومت بود؛ اما رژیم قادر به جلوگیری از آن نبود. در خارج نیز تحولات ایرانیان در شهرها و کشورهای مختلف بالاست. از این مثال‌ها بسیار زیاد است. اینها نمودهای بارز یک جامعه سر پا است و روشن است که حزبی که در میدان حضور دارد، دنیایی کار در مقابل خود دارد. (مندرج در ژورنال شماره ۷۴۹)

اصغر کریمی: اصلی‌ترین ویژگی شرایط سیاسی بیرون ما است که کنگره در آن برگزار می‌شد. این کنگره پس از شروع انقلاب زن زندگی آزادی است، انقلابی که همه چیز را به معنی واقعی کلمه تغییر داده است. از جمله تأثیرات مهمی روی خود ما گذاشته است. البته نه اهداف و مبانی فکری و سیاسی ما، بلکه روی سبک و شیوه فعالیت سیاسی و میدانی که بخش مهم و حیاتی فعالیت حزب است.

اما خود کنگره سیزدهم نیز ویژگی‌هایی داشت که به نظر من آن‌هم متأثر از انقلاب بود، از مضمون مباحث و قرارها و قطعنامه‌ها تا مهمانان کنگره، و از گزارشات مسئولین حزب تا پیام‌هایی که طیف گسترده‌ای از فعالین از ایران به کنگره فرستاده بودند. یک ویژگی دیگر طیف جوانانی بودند که در کنگره حضور داشتند، عضو هیئت‌رئیس کنگره بودند و برخی از آنها به عضویت در کمیته مرکزی نیز انتخاب شدند. مهمانانی با تفکرات سیاسی مختلف در کنگره حضور داشتند که در همین دوره انقلاب با فعالیت حزب و فعالین حزب در کارزارهای مختلف آشنا شده بودند و آمده بودند تا از نزدیک آشنایی بیشتری با حزب پیدا کنند. بعلاوه طبق معمول کنگره‌های حزب علنی بود و تمام لحظات آن از تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی پخش می‌شد.

این کنگره حزبی بود که در کانون‌های داغ مبارزه از مراکز کار و دانشگاه‌ها و مدارس تا اعتراضات بازنشستگان، از مبارزات زنان علیه بی‌حجابی و آپارتاید جنسیتی تا مبارزات جوانان، حضور دارد و نقش تأثیرگذاری ایفا می‌کند. انقلاب زن زندگی آزادی هزاران فعال و سازمانده در داخل و خارج کشور به میدان مبارزه کشانده بود که هر کدام نقش ویژه و تأثیرگذاری ایفا کردند و با کوله‌باری از تجربه در صحنه مبارزه حضور دارند. گزارشات مسئولین ارگان‌های روبه‌داخل و خارج حزب و کارزارها نیز ملهم از تأثیر این طیف وسیع فعالین و آشنایی و همکاری با آنها بود.

باتوجه به قطعنامه‌ها و قرارها و بحث‌هایی که در کنگره مطرح شد، این کنگره چه چشم‌اندازی را در مقابل حزب قرار می‌دهد؟

اصغر کریمی: آنچه در چشم‌انداز قرار دارد نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی به‌ویژه در بیست ماه گذشته تغییر زیادی کرده است. روحیه مبارزاتی مردم تغییر کرده، امید به

از صفحه ۳

کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری ...

ماندگار، شیوا محبوبی، نوید محمدی، سیاوش مدرسی، عظیم مطور، جمیله میرکی، سارا نخعی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه، عطیه نیک‌نفس و بابک یزدی.

حمید تقوانی در سخنرانی اختتامیه خود بر عزم حزب برای رفع موانع بر سر راه پیشروی‌های انقلاب تأکید کرد و گفت مصوبات و مباحث کنگره مبنای تلاش پیگیرانه‌تر و همه‌جانبه‌تر حزب در جهت تعمیق و گسترش هر چه بیشتر انقلاب زن زندگی آزادی خواهد بود. کنگره با پخش سرود انترناسیونال در فضائی گرم و پرشور به کار خود پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۸ خرداد ۱۴۰۳، ۷ ژوئن ۲۰۲۴

قرار در مورد سه جنبش تعیین کننده در روند انقلاب

در روند انقلاب در مقاطع مختلف جنبشهای معینی اوج میگیرند و به جلو رانده میشوند. در شرایط حاضر مشخصاً سه جنبش بی‌حجابی، جنبش علیه اعدام و جنبش علیه فقر و فساد سه عرصه فعال مبارزاتی را تشکیل میدهند. انقلاب زن زندگی آزادی با جنبش علیه حجاب آغاز شد، علیه اعدامها بعنوان یک ابزار حکومت برای مرعوب کردن جامعه و عقب راندن انقلاب بمیدان آمد و با برآمد جنبش کارگران شاغل و بازنشسته علیه فقر و فساد تعمیق یافت. از یکسو آنچه این عرصه‌ها را به هم پیوند میزند جنبش توده‌ای برای سرنگونی حکومت در فضای رادیکالی است که انقلاب زن زندگی آزادی ایجاد کرده است. و از سوی دیگر یک فاکتور مهم پیشروی انقلاب اتحاد و پیشبرد فعال مبارزات در این سه عرصه است. حزب همه فعالین و نیروهای انقلابی را به تمرکز نیرو و همبستگی و همکاری در این سه جبهه فرامیخواند.

مصوب کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری



آپارتاید جنسیتی، علیه اعدام، و علیه فقر و فلاکت چنین موقعیتی دارند. تلاش برای متحد ساختن فعالین همه جنبشهای اعتراضی و شکل دادن به اعتراضات و تجمعات خیابانی نظیر تجمع بازنشستگان در این عرصه ها.

۳- شکل دادن به حرکتی توده ای برای نفی جمهوری اسلامی در زندگی روزمره به شیوه جنبش بی حجابی بویژه نفی عملی آپارتاید جنسیتی با حضور و فعالیت مختلط زن و مرد در همه جا، نفی عملی مقدسات و قوانین و مناسبتهای حکومتی، جشن و شادی خیابانی، حضور زنان در ورزشگاهها و غیره.

۴- حمایت فعال و پیگیر از پلاتفرمها و منشورهای انقلاب نظیر منشور ۲۰ تشکل، منشور مطالبات پیشرو زنان، و میثاق ۱۴۰۳، که از جانب فعالین و تشکلهای و چهره های جنبش سرنگونی، جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی منتشر میشود. تبلیغ و اشاعه مستمر این اسناد. بویژه برافراشتن پرچم "زن زندگی آزادی، منشور مطالبات حداقلی" منتشر شده از جانب ۲۰ تشکل صنفی و مدنی بعنوان پلاتفرم اتحاد و همبستگی همه دست اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی. تلاش برای سازمان دادن فعالیتهای مبارزاتی حول مفاد این منشورها.

۵- تلاش برای متحد و هماهنگ ساختن نهادها و فعالین جنبش کارگری حول شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" و در حمایت از منشورهای فوق.

۶- تلاش مستمر برای محکومیت و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت. فعالیت های لابی ایستی و آکسیونهای خیابانی در خارج کشور با هدف اعمال فشار به نهادهای بین المللی و دول غربی برای طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی. نظیر در لیست تروریستی قرار دادن سپاه پاسداران، بستن سفارتخانه های حکومت، و تحت تعقیب قرار دادن سران سپاه و مقامات حکومتی که در جنایت علیه مردم ایران دست داشته اند.

اقدامات فوق بخش مهمی از فعالیتهای همه جانبه حزب در جهت تقویت و پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی است. ۱۲ خرداد ۱۴۰۳، ۱ ژوئن ۲۰۲۴

قرار کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری در مورد سرپیچی از قوانین و هنجارهای ضد انسانی حکومت

یک شیوه مبارزه ممکن و موثر توده ای با توجه به موازنه قوای فعلی در جامعه نفی جمهوری اسلامی و قوانین و هنجارهای ضد انسانی اش در زندگی روزمره است. جنبش علیه حجاب اجباری نمونه موفقیتی از این شیوه مبارزه را نشان میدهد. میتوان و باید این مبارزه را به گسترش و نفی عملی آپارتاید جنسیتی با حضور و فعالیت مختلط زن و مرد در همه جا، سرپیچی هر چه بیشتر از مقررات و مقدسات حکومتی در مناسبتها و روزهای مختلف (نظیر دهه فجر و ماه رمضان و انتخاباتهای حکومتی و تاسوعا عاشورا و غیره)، جشن و شادی خیابانی به مناسبتهای مختلف، حضور زنان در ورزشگاهها و غیره بسط داد. حزب تلاش میکند نفی عملی جمهوری اسلامی در زندگی روزمره را به یک شیوه مبارزه گسترده و فراگیر تبدیل کند.

تأثیرات انقلاب زن زندگی آزادی و اولویتهای حزب مصوب کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری

۱- انقلاب زن زندگی آزادی کیفیتا شرایط سیاسی در ایران را تغییر داده است. این تحول اولین خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی است که خود را انقلاب مینامد، پرچم رادیکال و انسانی "زن زندگی آزادی" را برافراشته است و بعنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ احترام و توجه و همبستگی گسترده مردم جهان را به خود جلب کرده است.

۲- انقلاب زن زندگی آزادی در چارچوب تحولات و رویدادهای روزانه و در زندگی روزمره، جامعه را وارد یک جنگ سرنوشت ساز با حکومت کرده است. از مقطع به قتل رسیدن مهسا تا امروز مقابله صریح با حکومت و خامنه ای به امر هر روزه مردم معترض و فعالین و تشکلهای، کاربرهای مدیای اجتماعی، و مضمون بیانیه ها و فراخوانها و طومارها و کیفرخواستها تبدیل شده است.

۳- یک دستاورد مهم انقلاب پیشرویهای جنبش گسترده بی حجابی است که "حاکمیت حجاب" را فتح کرده و حجاب را عملاً نفی کرده است. این جنبش گسترده و پویا که سر باز ایستادن ندارد یک امر هویتی و پایه ای حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است و یک رکن مهم انقلاب زن زندگی آزادی است.

۴- روند تحولات آتی هر چه باشد تأثیرات عمیق و دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی شرایط سیاسی، فضای اعتراضی، و توازن قوا در ایران را به نفع توده مردم متغیر از رژیم و به ضرر حکومت کیفیتا متحول کرده است.

۵- توده مردم (۹۹ درصدیها) هیچگاه چنین مصمم و آماده برای بزیر کشیدن حکومت و نظام موجود، و جمهوری اسلامی هیچ زمان این چنین منفور و رسوا و سردرگم و درمانده و منزوی در ایران و در سطح جهان نبوده است.

۶- اکنون، نزدیک به دو سال پس از قتل حکومتی مهسا، تأثیرات انقلاب زن زندگی آزادی در فضا و گفتمان عمومی در جامعه و در فضای مجازی، در خشم و تعرض مردم و در اعتراضات در عرصه های مختلف ادامه دارد و در حال گسترش است ولی به معنی تظاهراتها و تجمعات و اعتراضات و اعتصابات توده ای در سطحی که در سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم، انقلاب فروکش کرده است.

۷- در شرایط امروز ایران پیشروی انقلاب در گرو بمیدان آمدن توده مردم و گسترده تر شدن تجمعات و تظاهرات خیابانی است.

۸- ایجاد اتحاد و هماهنگی بین تشکلهای و نهادها و چهره های فعال جنبش سرنگونی و اعتراضات متحدانه سایر جنبشهای اعتراضی در داخل و خارج کشور حول سیاستهای رادیکال و انسانی در سطح تبلیغی-گفتمانی، و همچنین میدانی، عامل مهمی در تقویت بروز خیابانی انقلاب و تداوم آنست.

با توجه به نکات فوق حزب محورهای زیر را اولویت فعالیتهای این دوره خود قرار میدهد:

۱- ایجاد امکان و ظرف مبارزه برای فعالیت همبسته و متحد فعالین جنبش سرنگونی و جنبشهای اعتراضی در عرصه های مختلف در داخل و خارج کشور با هدف اتحاد و انسجام صفوف انقلاب حول سیاستهای رادیکال و نقد ریشه ای وضع موجود.

۲- تمرکز بر جنبشهای اعتراضی فعال که در هر مقطع جایگاه ویژه ای در پیشبرد انقلاب زن زندگی آزادی ایفا میکنند. در شرایط حاضر سه عرصه علیه حجاب و

قرار در مورد آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی و مدنی



تاریخ یکی از مهمترین موانع بر سر آزادی بیان بوده است و ابزار جمهوری اسلامی در سر بریدن هر نوع آزادی است، در هر سطح و به هر شکلی باید کاملاً آزاد باشد. این آزادی‌ها حق بی‌چون و چرای مردم است. این آزادی‌ها اما و اگر و شرط و شروط ندارد. باید بی‌قید و شرط باشد.

آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی و مدنی یک رکن مهم یک جامعه آزاد و انسانی است و دفاع از این خواست پایه‌ای و حیاتی، یک رکن مبارزه علیه حکومتی است که همه این آزادی‌ها را بطور سیستماتیک و وحشیانه مورد سرکوب قرار داده است.

ما کارگران و معلمان و دانشجویان، کلیه فعالین سیاسی و تشکل‌های مردمی و همه هنرمندان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و وکلا و همه مردم آزاده را به دفاع فعال از این خواست فرامی‌خوانیم. (مصوب کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری)

آزادی بی‌قید و شرط بیان، عقیده، تجمع، اعتصاب، مطبوعات، تشکل و حزب و فعالیت در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین خواست‌های همه مردم است. مردم حق دارند برای تحقق خواست‌هایشان تجمع کنند، دست به اعتصاب و اعتراض بزنند، جامعه را به اشکال مختلف از خواست‌های خود مطلع کنند، ابراز وجود سیاسی کنند، عضو هر حزب و تشکلی بشوند و یا خود مبتکر ایجاد حزب و تشکل بشوند و به هر رسانه‌ای خواستند دسترسی داشته باشند. احزاب سیاسی حق دارند بدون نگرانی از دستگیری و محکومیت در میان مردم فعالیت سیاسی کنند و میتینگ و تظاهرات فرابخوانند. کمپین‌ها و کاریکاتوریست‌ها حق دارند بالاترین مقامات حکومت را دست بیندازند و علیه آنها کاریکاتور بکشند. هنرمندان حق دارند ترانه‌ها و فیلم‌های چالشی و اعتراضی بسازند و هر تابویی را به نقد بکشند، نویسندگان حق دارند کتاب منتشر کنند و زنان و همه مردم حق دارند هر پوششی که مایل بودند انتخاب کنند. در یک کلام هر شهروندی حق دارد هر موضوعی و هر مقدسات مذهبی و ملی میهنی و هر تابویی را که خواست مورد انتقاد قرار دهد. بویژه نقد مذهب و تابوها و مقدسات مذهبی، که در طول

قرار در مورد سه منشور انقلاب زن زندگی آزادی

در روند انقلاب زن زندگی آزادی سه سند منتشر شده از جانب تشکلهای و فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش دانشجویان، بیانگر اهداف و خواستههای بخشهای مختلف جامعه و نماد ارزشمند انقلاب زن زندگی آزادی است. این اسناد عبارتند از:

- منشور ۱۲ ماده ای مطالبات حداقلی منتشر شده در بهمن ماه ۱۴۰۱ با امضای بیست تشکل کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان.

- منشور مطالبات پیشرو زنان منتشر شده در ۱۰ اسفند ۱۴۰۲ از جانب فعالین جنبش آزادی زن در داخل و خارج کشور.

- میثاق ۱۴۰۳ منتشر شده در اول اردیبهشت ۱۴۰۳، با طرح مهمترین خواستههای کارگران و جامعه از جمله در حمایت از منشور ۱۲ ماده ای و مطالبات آن، از جانب هشت نهاد کارگری، بازنشستگان، دادخواهان و پرستاران.

حزب طرح و تبلیغ و اشاعه مستمر این اسناد انقلاب را وظیفه خود میدانند و همه نهادها و فعالین دست اندرکار انقلاب زن زندگی آزادی، جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی را به حمایت فعال از این منشورها فرا میخواند.

(مصوب کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری)

قرار در مورد برآمد مجدد اعتراضات خیابانی

اعتراضات و تجمعات و تظاهرات خیابانی در مقایسه با سال آغاز انقلاب زن زندگی آزادی فروکش کرده است اما نبرد بی‌امان مردم با جمهوری اسلامی در جبهه های مختلف کماکان ادامه دارد. فتح سنگر حجاب و تلاشهای شکست خورده حکومت برای بازپس گرفتن این سنگر، تجمعات ادامه دار بازنشستگان با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، طرح مسائل مرمع انقلاب نظیر حمایت از جنبش بیحجابی، لغو مجازات اعدام و خواست آزادی توماج صالحی در این تجمعات و در بیانیه‌ها و فراخوانهای تعرضی و ضد حکومتی چهره‌ها و نهادها و تشکلهای در جنبش سرنگونی و دیگر جنبشهای اعتراضی، برآمد مجدد تظاهرات و تجمعات چند هزار نفره در خارج کشور، و خشم و نفرت فزاینده جامعه علیه جانین حاکم، نشانه‌های زنده و بالنده بودن انقلاب زن زندگی آزادی است. این شرایط میتواند زمینه ساز برآمد مجدد تظاهراتها و اعتراضات خیابانی باشد. بویژه الگو قرار دادن تجمعات پیگیر بازنشستگان و حمایت فعال از این تجمعات یک شیوه مهم گسترش اعتراضات خیابانی است.

حزب کمونیست کارگری در جهت تقویت و گسترش اعتراضات خیابانی فعالانه میکوشد و همه کنشگران و دست اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی و جنبشهای اعتراضی را به این مهم فرامیخواند.

تجمعات بازنشستگان مخابرات و اعتصاب کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه

آن فراخوانده اند.

روز ۲۱ خرداد همچنین کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه فیروز آباد در اعتراض به سطح نازل دریافتی‌های خود برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب و تجمع زدند. در این تجمع بنری با نوشته "دستمزد عادلانه، زندگی شایسته، حق مسلم ماست" قابل توجه بود.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۱ خرداد ۱۴۰۳، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴



امروز ۲۱ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته در شهرهای مختلفی از جمله زنجان، تبریز، سنندج، بیجار، بندر عباس دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان در روز ۲۰ خرداد نیز همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران تجمع داشتند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی‌تامینی، اختلاسها و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخابرات همچنین به عدم اجرای آئین نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که میتواند بهبودی در وضع دریافتی آنها ایجاد کند اعتراض دارند. در این تجمعات بازنشستگان با شعار "شرکت پر درآمد چه برسر تو آمد" صدای اعتراض خود را علیه چپاولگریهای حاکم بلند کردند.

اعتراضات بازنشستگان ابعاد گسترده و سراسری ای دارد. روز گذشته ۲۰ خرداد یک روز پر جنب و جوش اعتراضی بخش‌های مختلف بازنشستگان بود. بازنشستگان در کرمانشاه برای ۲۲ خرداد در اعتراض به فقر و فساد و بی‌تامینی، فراخوان به تجمع وسیع و بزرگی داده و همه بخش‌های بازنشستگان را به شرکت در



کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری، آئینه و افق انقلاب "زن، زندگی، آزادی" - مهران محبی

کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری در نیمه اول خرداد ۱۴۰۳ برگزار گردید. همانطور که انتظار می رفت کنگره متمرکز بر انقلاب جاری بود. جوانب پیشرویهایی تا کنونی اش را به دقت مورد بررسی قرار داد و برای جلوگیری از بردن اش برنامه ها و راهکارهای پیشبرنده ارائه کرد.

کنگره، حزب را موظف به بر عهده گرفتن وظایف خطیر و صرف توان و انرژی حداکثری برای به هدف نهایی رساندن انقلاب کرد و همانطور که حمید تقوایی در سخنرانی افتتاحیه تأکید کرد، افق رسیدن به انسانیت، جامعه انسانی و سوسیالیسم را برای جامعه و انقلاب اش نشان داد. "انقلاب باید بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تا بنیاد گذاشتن دنیای آزاد و برابر ادامه یابد"، آن افق نهایی و آن نقطه ای از تحقق خواستها و انتظارات انسانی جامعه است که ایستگاه های بین راهی مورد نظر جریانات راست را پشت سر خواهد گذاشت، و حزب در کنگره اش پرچم اش را بلندتر کرد.

تکوین شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی، به "میریم تا انسانیت و جامعه انسانی" که در کنگره حزب و توسط حمید تقوایی بیان و بر آن تأکید شد، یک بلند پروازی احساسی و هیجانی نیست، بلکه بر مبنای واقعیات زمینی ای است که پی در پی در کف خیابان و فضای کلی جامعه در جریان است و حول محور مدرن و رادیکال خود نیرو جمع می کنند.

اعتراضات هر روزه بازنشستگان که با اعتراض به اعدام ها و حجاب اجباری و با گرامیداشت های روز جهانی زن و روز جهانی کارگر همراه با کارگران هفت تپه در کنار مطالبات به اصطلاح صنفی خود یک بار دیگر و اینبار با تداوم بعد از تظاهرات های هزاران نفره کارگران پالایشگاه ها و پتروشیمی های عسلویه در حمایت از انقلاب، در برابر جمهوری اسلامی، حکومت اعدام و ضد زن عرض اندام و ابراز وجود سیاسی طبقه کارگر را به رخ می کشد، و ادامه کمپین های اعتراضی کارگران رسمی، ارکان ثالث و قراردادی نفت و گاز، فولاد و غیره در متن انقلاب، بخشی از واقعیات مبارزات موجود جامعه علیه حکومت است.

بخش دیگر از مبارزات جاری در جامعه که انقلاب را به پیش می برد، مبارزات جسورانه زنان در برابر سرکوبگری های رژیم و به شکست کشاندن طرح های آن برای بازپس گیری خاکی از دست رفته اش است و دیگر اینکه، تشکلهای و نهادهای کارگری و اجتماعی هستند که با منشور ۱۲ ماده ای مطالبات حداقلی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" با امضاء ۲۰ تشکل و منشور مطالبات پیشرو زنان در ماه های اول انقلاب ژینا در سال ۱۴۰۱ و تأکید بر آن ها در میثاق تشکلهای به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۴۰۳ افق انقلاب را ترسیم و پرچم آن را بلند می کنند.

بعلاوه فعال بودن جنبش دادخواهی و جنبش علیه اعدام هستند که در اعتراض به صدور حکم اعدام توماس صالحی، جمهوری اسلامی را در داخل و خارج زیر فشار گذاشته و به طور کلی وجود یک جنبش عظیم انقلابی و سرنگونی طلبانه که مرگ رئیسی نماد قتل و اعدام حکومت را با رقص و شادی تبدیل به کابوس مرگ و وحشت سران رژیم و فرصتی برای زیر نورافکن مجدد قرار دادن کلیت جمهوری اسلامی به عنوان حکومت اعدام و کشتار و جنایت در سطح جهانی کرده، آن کلیتی است که حزب کمونیست کارگری در کنگره اش را محق می کند افقی فزاینده تر از سرنگونی جمهوری اسلامی در برابر جامعه قرار دهد و پرچم اش را بلندتر کند.

حزب کمونیست کارگری که از اصلی ترین نیروهای فکری و عملی منشاء این رویکردها و نگاه ها در دوره های طولانی پیشا انقلابی بوده است و از روز اول شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" با تمام توان ضمن دفاع از انقلاب، بر تعیین بخشی و

قرار در مورد هماهنگی و مبارزه مشترک فعالین و تشکلهای دست اندرکار در انقلاب زن زندگی آزادی

در شرایط امروز ایران یک عامل مهم در تعمیق و پیشروی انقلاب همراهی و همگامی فعالین و نهادهای مبارزاتی است. ازینرو حزب بر ایجاد همکاری و هماهنگی و عمل مشترک بین تشکلهای و نهادهای فعال در جنبش سرنگونی و سایر جنبشهای اعتراضی حول سیاستهای رادیکال و انقلابی در داخل و خارج کشور در سطح تبلیغی - گفتمانی، و همچنین میدانی - مبارزاتی، تأکید میکند. حزب وحدت بخشی صفوف انقلاب در عرصه های مختلف حول سیاستهای رادیکال و نقد ریشه ای وضع موجود، و ایجاد امکان و ظرف مبارزه برای فعالیت همبسته و هماهنگ فعالین در عرصه های مختلف در داخل و در خارج کشور را یک رکن فعالیت های خود در این دوره قرار میدهد.

تعمیق مطالبات آن کوشش کرده، در این مقطع از انقلاب نیز کنگره اش را در بست به ارائه راهکارها و برنامه های عملی در جهت بسیج توده ای برای انقلاب و هدایت آن به سوی رسیدن به انسانیت و جامعه انسانی اختصاص می دهد.

کنگره سیزدهم حزب، تصویری از همزمانی نبض حزب با نبض انقلاب و بخش های مختلف مردم انقلابی و رفتن به سوی بسیج توده ای حول پرچم طبقه کارگر انقلابی که بر منشورها و میثاق های مطالباتی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" نقش بسته است، بود و این همان رابطه حزب و جامعه و حزب و انقلاب را معنا می کند. "حزبی که خواستها، مطالبات و آرزوهای عموم مردم جامعه را نمایندگی نکند، به حاشیه سیاست رانده می شود و جامعه و انقلابی که حزب رهبری کننده نداشته باشد شکست خواهد خورد".

جامعه و طبقه انقلابی امروز ایران برای رسیدن به هدف نهایی نیازمند رهبری است و باید رهبر خود را ببیند و انتخاب کند. حزب کمونیست کارگری تاریخا شایستگی های زیادی در تقویت و متحد ساختن بخش های مختلف جامعه از خود نشان داده و تأثیرات اجتماعی بسزائی در زندگی و مبارزات روزمره مردم داشته است. اما برای انتخاب شدن به عنوان حزب رهبری کننده انقلاب، هنوز کارهای زیادی باید انجام دهد. باید به حزبی در دسترس جامعه و طبقه تبدیل شود و برای کسب چنین جایگاهی از لحاظ سیاسی باید توقع جامعه را تا حد کسب همه مطالبات و انتظارات انسانی بالا ببرد تا به کمتر از همه آنها راضی و در هیچ توقفگاه مطلوب معامله گران بر سر انقلاب متوقف نشود و از لحاظ عملی نیز باید بسیج کننده نیرو برای انقلاب و متحد کننده نیروهای انقلابی باشد. کنگره سیزدهم، کنگره برای گام برداشتن حزب به سوی چنین جایگاهی بود.

حزب با تصویب قطعنامه هائی که در رابطه با انقلاب، نیروهای انقلابی و تأکید بر منشور ها و میثاق های تشکلات کارگری و اجتماعی به عنوان مبنا و محور اتحاد و همبستگی انقلابی همه بخش های جامعه برای رسیدن به هدف نهایی در کنگره اش، وظایف سنگین تری برای خود تعریف کرد و مسیر انقلاب را روشن تر ساخت. پیش به سوی عمل به قطعنامه ها و قرار های مصوب کنگره، حزب را در همه عرصه های انقلاب تقویت و در دسترس قرار دهیم. زنده باد حزب



عقرب خشکیده به جای مار در جعبه پهلوان قالیباف!

مهران محبی

بعد از مرگ رئیسی جلاد و قصاب ۶۷ معرکه گیران یکی، یکی شروع به پهن کردن بساط خود برای نمایش و به اصطلاح جلب تماشاچی و دریافت هدایا (ترغیب به حضور در پای صندوق رأی) کرده اند.

پاسدار قالیباف یکی از آن معرکه گیران اصلی انتخابات ریاست جمهوری است که هنگام ثبت نام برای کاندید شدن، میدان داری کرده است.

قالیباف زبان بازی های ریاکارانه و مملو از دروغ خود در پشت تعداد زیادی از میکروفن های رسانه های حکومتی را به دو نگرانی اختصاص می دهد و می گوید: "نگرانی اول من مربوط به ایران و آینده و پیشرفت کشورمان و زندگی فرزندانمان است که مربوط به همه ما که به شرایط پیچیده کشورمان نگاه می کنیم و از خود می پرسیم کدام رویکردها باید تداوم پیدا کند؟ و از همه مهمتر این که چه کسی می تواند در این شرایط پیچیده مسؤلیت به سرانجام رساندن کارها را بپذیرد، می باشد. و نگرانی دوم نیز مربوط به صحنه انتخابات و نگرانی از اینکه این جدالهای سیاسی باعث به حاشیه رفتن دغدغه های اصلی مردم و مسئله اقتصاد و معیشت شود".

پهلوان قالیباف در ادامه این معرکه گیری و نمایش برای جلب تماشاچی، تقصیر مشکلات یاد کرده و بقیه کارهای به زعم خودش زمین مانده تاکنونی را، متوجه عدم محاسبه درست نسبت دشواری کارها با توانائی ها و نگاه های غیر واقعی به راهکارهای عملی برای حل مشکلات می کند و این موضوع و مشاهده صحنه انتخابات و کم رنگ شدن کارآمدی و راهکارهای حل مشکلات را بخشی از دلایل کاندید شدن اش برای ریاست جمهوری اعلام می کند. او سپس با افزودن سوابق درخشان خود در خدمت رسانی و توانائی های بی بدیل اش برای رفع مشکلات و همچنین اصرار جمعی از نخبگان و کارآفرینان و دانشجویان انقلابی و سایر دلسوزان و دعوت اکثریت نمایندگان و تکلیف کردن جمعی از خانواده های شهدا، همچنین دعوت چهره های برجسته سیاسی جبهه انقلاب را به مجموعه دلایل برای کاندید شدن اش اضافه میکند.

بدین ترتیب قالیباف با کلی منم، منم گفتن و گرفتن ژست خدمت گذاری صادقانه و خالصانه و فارغ از چشم داشت مادی و اعلام عشق به انجام وظیفه در مجلس، حالا وانمود می کند که به خاطر مجموعه دلایل ذکر گردیده ناچار شده که مسؤلیت سنگین دیگری بر مجموعه مسؤلیت های فراوانی که بر دوش کشیده، اضافه کند تا به قول خودش کاری را که در چند سال گذشته برای حل مشکلات اقتصادی مردم در دولت مردمی و مجلس انقلابی شروع کرده اند و به زمان ثمر دهی رسیده است، ناتمام نماند!

اما در پایان این معرکه گیری همانطور که انتظار می رفت نشانی از مار هیجان آور قالیباف برای به هیجان در آوردن مردم نبود و او مجبور شد به اصطلاح عقرب مرده و خشک شده را از صندوق اش بیرون بیاورد و مردم نیز طبق معمول، معره گیری او را دست مایه طنز و ساختن جوک کردند.

با اینحال کل حرف های قالیباف بیخود و چرند نبود. قالیباف به درستی و به طور واقعی مانند هر چپاولگر و شریک جنایت حکومتی ای واقعا نگران آینده خود و فرزندان و آقازاده های ایشان است. هر یک از سران و حتی عوامل دست چنم جمهوری اسلامی سوابق ده ها ساله در دزدی و چپاول هزاران و ده ها هزار میلیاردی از ثروت های اجتماعی و عمومی دارند و امروز در شرایط وحشتناک اقتصادی و معیشتی ای که میلیون ها کارگر، معلم و بازنشسته و مردم زحمتکش از تأمین حداقل ضروریات برای یک زندگی بخور و نمیر عاجز هستند و میلیون ها بیکار و خانواده های بیکاران از کودک گرفته تا بزرگسال برای سیر کردن شکم خود زباله گردی می کنند، آقا زاده

هایشان در اروپا و آمریکا و کانادا مشغول عیش و نوش و خوشگذرانی هستند و از این نظر مجرمانی هستند که باید در فدای سرنگونی رژیم محاکمه و مجازات شوند. حفظ شرایط موجود برای ادامه بساط دزدی و غارتگری حکومتیان و وابستگان آنها ضروری و حیاتی است و منظور قالیباف از نگرانی برای آینده "فرزندان"، فرزندان عموم اکثریت مردم کارگر و زحمتکشی که ۴۵ سال است گرفتار فقر و گرسنگی هستند، نیست. منظور قالیباف، فرزندان و آقازاده های خودشان هستند که اگر حکومت با انقلاب مردم سرنگون شود نه تنها رود خروشان پولها و ثروت های غارت شده به سویشان خشک خواهد شد، بلکه هر آنچه که به دستشان رسیده نیز از دستشان در آورده خواهد شد.

این مهره جانی هم مانند همه سران حکومت می داند که گلوی رژیمشان زیر پای انقلاب قرار گرفته و هر روز راه نفس اش تنگ تر می شود. به همین خاطر از پیچیدگی اوضاع و خطیر بودن صحنه انتخابات حرف می زند و از وابستگان باند اصلی در قدرت می خواهد که او را به خاطر سوابق و کارنامه توانائی هایش در خدمت به نظامشان انتخاب کنند.

قالیباف ضمناً بر به هم ریختگی و قمه کشی های باندهای حکومتی علیه یکدیگر تحت تأثیر و فشار انقلاب تأکید می کند که در جریان مخمضه تعیین جایگزین رئیسی اگر اوضاع درست مدیریت نشود، کار دستشان دهد و فرصتی برای بازگشت اعتراضات گسترده و عمومی به خیابان ایجاد کند.

این جمله قالیباف: "نگرانی از اینکه این جدالهای سیاسی باعث به حاشیه رفتن دغدغه های اصلی مردم و مسئله اقتصاد و معیشت شود" بیان همان اوضاع به ریخته درونی حکومت و خطر بازگشت به خیابان مردم است که با ریاکاری، نگرانی از فرصتی که قمه کشی های باندهای حکومتی می تواند به مردم برای کله پا کردن حکومتشان بدهد را با نگرانی از دغدغه های اقتصادی و معیشتی مردم آب رنگ می زند.

اوضاع جاری جمهوری اسلامی به حدی بغرنج و وخیم است که حتی به اصطلاح انتخابات اش هم برایش خطر آفرین است. در نتیجه بکار بردن صفت "مضحکه" برای توصیف انتخابات حکومت، کافی و کامل نیست. انتخابات برای جمهوری اسلامی گرفتار در چنگ انقلاب، به یک مخمضه و معضل تبدیل شده است که هر بار بر بی اعتباری، عدم مشروعیت و ضعف و ناتوانی اش در برابر عزم مردم برای به زیر کشیدنش می افزاید.

زندگی در زمان حال و آینده ما و فرزندان ما در نقطه مقابل زندگی و آینده دزدان حاکم و فرزندان و آقازاده های آنان قرار دارد. زندگی و خوشبختی حال و آینده ما و فرزندان ما کارگران و اکثریت مردم در گروی سرنگون کردن جمهوری اسلامی است. در حالیکه ادامه زندگی های شاهانه آقازاده های سران جنایتکار جمهوری اسلامی به ادامه حیات این حکومت نکبت و تبه کننده زندگی اکثریت جامعه گره خورده است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود تا ما مردم زندگی و آینده ای داشته باشیم. اکنون که جانیان حکومت به جان یکدیگر افتاده اند، زمان مناسبی برای بازگشت به خیابان و وارد آوردن ضربات کاری بر پیکر گندیده حکومت است. مخمضه و گرفتاری انتخاباتی حکومت را به مجالی برای سرنگونی اش تبدیل کنیم.



روزمره اش سعی کرده نشان دهد هویت انسانی چیزی نیست که به فرمانی جاری شود، حزبی که مبنای سیاستش را هویت انسانی گذاشته، این موضوع در روابط بین اعضا و کادراهایش انعکاس یافته است. آن هم نه با یک قرار حزبی و صدور دستورالعمل حزبی، بلکه همه کسانی در این حزب حضور به هم می‌رسانند با هر خصلت و خصوصیات فردی، آن چیزی که مهم است حرمت انسانی رفقای دست اندرکار حزب است.

در نزد حزب کمونیست کارگری که رنگی دیگر بر کمونیسم زده است، یکی از سیاستهای اصلی اش این بوده که تصویر خشن و زمخت و ضد حرمت انسانی را از چهره کمونیسم بزاید که بورژوازی به اسم کمونیسم به کمونیسم تحمیل کرده بود، و هنوز هم دستگاههای تبلیغاتی طبقه ستمگر حاکم، از آن بهره می‌برند.

"رفیق" خطاب کردن مبارز بغل دستی یک موضوع جا افتاده میان کمونیستها و تشکیلات آنهاست. یک پیش فرض است بر همبستگی صمیمانه مبارزاتی آنها. اما القاب، حتی واژه "رفیق" بسته به اینکه در چه سازمانی بکار برده میشود تفاوت معنای بسیاری می‌یابد. در کمونیسم خشن و عبوس اردوگاهی قرن بیستمی ابزاری برای تحکم است، و برتری دادن به شخصیت است تا حد "رفیق کبیر"؛ سالهاست که کنگره حزب به صورت علنی برگزار میشود، و در همه این سالها کمتر مشاهده کردیم که شرکت کنندگان همدیگر را با لقب "رفیق" مورد خطاب قرار دهند، در صورتی که کنگره حزبی یک "محیط تخصصی" است و طبق یکی از بندهای برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری، بکار بردن "القاب" در همچنین محیطی ممنوعیتی ندارد. صمیمیت رفیقانه را با بخشنامه حزبی نمی‌توان برقرار ساخت. یک داده این حزب این است که آن چهره عبوس را باید از کمونیسم زدود که گویا در چنین جلساتی یک عده عصا قورت داده، با "نظم آهنین" که سرکوبگران از کمونیسم ساخته اند گرد هم می‌آیند که تا به "ستایش رهبری" بنشینند. در کنگره حزب کمونیست کارگری، نمایندگان شرکت کننده بازتاب تشکلی هستند که هویت کمونیستی شان انعکاسی از هویت انسانی آنهاست، انسانهای با تمام نقطه ضعف ها و قوت هایشان، رفقای هستند که برابری طلبی و آزادیخواهی دلیل اصلی گرد هم آمدن آنان است. در همچنین تشکیلات کمونیستی، احترام مصنوعی جای ندارد برای همین حتی لزومی مدام به این حس نمی‌شود که همدیگر را رفیق خطاب کنند، به وقتی که با اسم کوچک صدا زدن همدیگر صمیمیت و احترام و جدیت بیشتری را بیان میکند.

این کنگره بر متن یک انقلاب زیبای زن زندگی آزادی برگزار گردید و تصویری از آینده میداد، آینده ای که کمونیستهای کارگری در پی آنند، که در آن، آن چیزی که مهم است حرمت انسانهاست، کرامت انسانی؛ که هدف انقلاب جاری است. در همچنین انقلابی، در فردای پیروزی این انقلاب، آدمها را نه بر اساس القاب بلکه صرفا بخاطر اینکه کجای روزگار ایستادند باید قضاوت شوند.

کنگره حزبی، حرمت انسانی و القاب - یاشار سهندی

کنگره ۱۳ حزب کمونیست کارگری به طور مستقیم، از طریق اینترنت و شبکه های اجتماعی و تلویزیون کانال جدید در دسترس همگان قرار گرفت، به عنوان یک ناظر، چیزی که سخت به چشم می‌آمد این بود که در این کنگره، یک عده منتخب که برای خود و دیگری و دیگران احترام قایل بودند از بکار بردن "القاب" احتراز میکردند. صدا کردن به اسم کوچک ویا اسم و فامیل و حتی صمیمانه تر با پسوند "جان!" بر متن بحث های که در فضای رفیقانه مطرح میشد، این حس بیشتر القا میشد که آدمهای که در این جلسه حزبی جمع شدند در کار خود بسیار جدی هستند.

کنگره ۱۳ حزب کمونیست کارگری با توجه به همه مباحث و سیاستهای پیشین حزب کمونیست کارگری در رابطه با خود انقلاب و نقش آن در تحولات اجتماعی، و نیز پیگیری تحولات جامعه ایران که از سالها پیش نشانگر این بود که تحول انقلابی در پیش است برگزار گردید. رژیم اسلامی سرمایه در تمامی سالهای گذشته هجوم همه جانبه و وسیعی به ریزترین و ابتدای ترین مسائل زندگی توده مردم سازمان داده که شاید برای همیشه مردم را از شرکت در انقلاب پشیمان سازد. از سوی دیگر تمامی اپوزیسیون راست همه توان خود را علیه انقلاب ۵۷ بسیج کرده تا همه سو با جمهوری اسلامی مردم را خفت دهد؛ و در بستر ساز ناکوک بورژوازی جهانی علیه نفس انقلاب، این کنگره انعکاسی از انقلابی بود که زنده و پویا است. در بستر مبارزات انقلابی، هنگامی که مردم زندگی را در اراده خود می‌یابند، آنچه به سرعت رنگ می‌بازد القاب است. در کنگره حزبی که به پیشواز انقلاب رفته است چیزی که مهم نیست القاب است، بخصوص حزبی که حرمت و شخصیت فردی انسانها برایش مهم است و این مهم را در برنامه خود منعکس هم کرده است.

بر سردر این حزب نوشته شده "اساس سوسیالیسم انسان است." این یک سخن قصار یا یک شعار خوش آهنگ نیست، از کمونیسم چهره انسانی نشان دادن وظیفه همیشگی این حزب است. به نفس وجودی این حزب تبدیل شده است، که در پراتیک روزمره این حزب میتوان آنرا سراغ کرد. بورژوازی در مبارزه ضد کمونیستی اش، با اتکا به کمونیسم سرد و خشن و عبوس قرن بیستمی "اردوگاه شرق" هر وقت زبان باز میکند که از کمونیسم و کمونیستها بگوید سعی فراوان بکار میرسد که انعکاس آن کمونیسم اردوگاهی باشد و مدام آنرا یادآوری میکند. در یک همچنین زمینه ای این ویژگی حزب کمونیست کارگری برجسته تر میگردد.

حزب کمونیست کارگری یک تصمیم مهم سیاسی که گرفته است و عملا آنرا به اجرا گذاشته این بوده که "منشا اثر" باشد حتی به وقتی که در اپوزیسیون رژیمی به مانند رژیم وحشی اسلامی سرمایه است. این حزب دست روی درست نگذاشته است که وقتی به قدرت دست یافت فرمان به لغو حکم اعدام دهد، یا حقوق کودک را برسمیت شناسد، یا برابر کامل زن و مرد را فرمان به اجرائش دهد. به عنوان حزب طبقه کارگر، سعی نکرده از طبقه کارگر چهره "مستضعف" بسازد، تا به ستایش آن نشسته باشد و خود را چون بنیاد خیرین نشان دهد که به فکر "اقشار محروم" است. این حزب چهره قدرتمند خود را در سیمای طبقه کارگر نیرومند فرض گرفته است که نه به حکم جبر تاریخ، بلکه به نیروی و توان اجتماعی طبقه کارگر میشود نظام طبقاتی سرمایه داری را سرنگون کرد. سازماندهی مبارزات طبقه کارگر برای این حزب لوح افتخار نیست، بلکه سازماندهی توان و نیروی اجتماعی حزبی که میخواهد بعنوان نماینده طبقه کارگر در قبال جامعه، با رهبری کل جامعه رژیم اسلامی را سرنگون کند و بر بطن آن به عنوان یک حزب رادیکال دست به ریشه برد؛ که مدام از قول مارکس تکرار کرده است ریشه برای خود انسان چیزی نیست جز خود انسان، در این حزب "انسانیت عین سوسیالیسم است." این حزب در سیاست و بخصوص در پراتیک

Islamic Regime of Iran out of ILO



کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده: کارگر کمونیست

۲۱ خرداد

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در شهرهای مختلفی از جمله زنجان، تبریز، سنندج، بیجار، بندر عباس دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان در روز گذشته نیز همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران تجمع داشتند.

- کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه فیروز آباد در اعتراض به سطح نازل دریافتی های خود برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب و تجمع زدند. در این تجمع بنری با نوشته "دستمزد عادلانه، زندگی شایسته، حق مسلم ماست" قابل توجه بود.

۲۰ خرداد

- بار دیگر سه هزار معلم بازنشسته ۱۴۰۲ با شعار "فریاد فریاد از اینهمه بیداد" جلوی وزارت آموزش و پرورش تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

- جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد اصفهان با فریاد شعارهای "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، و "نه مجلس، نه دولت نیستند بفکر ملت" راهپیمایی کردند و فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند. در این روز بازنشستگان فولاد در تهران نیز در اهواز نیز تجمع داشتند. این بازنشستگان در تهران همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان تامین اجتماعی در همراهی با بخش های دیگر بازنشستگان به روال یکشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تامينی در شهرهای اهواز، شوش، تهران و کرمانشاه تجمع کردند.

۱۹ خرداد ۱۴۰۳

- رانندگان کامیون و کامیون داران در سیرجان در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت و بدتر شدن وضع معیشتی خود در برابر «شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی» تجمع کردند.

- نانوایان در ایلام در اعتراض به هزینه های بالا و درآمد کم و هزینه های کمر شکن کنونی در برابر استانداری تجمع کردند.

- کارگران کارخانه کربنات سدیم واقع در شهرک صنعتی سرخه سمنان در اعتراض به سطح نازل حقوقها برای پیگیری دیگر مطالبات خود دست به تجمع زدند. افزایش حقوق با پرداخت اضافه کاری و پاداش و سایر مزایای شغلی مطالبه فوری آنهاست. در همین رابطه این کارگران در هفته گذشته نیز تجمع داشتند.

۱۸ خرداد

- صبح روز جمعه هجدهم خردادماه یک دستگاه وانت نیشان که حامل تعدادی کارگر فصلی بود، در حوالی بانی گولان جوانرود با یک دستگاه خودروی دنا برخورد کرد که بر اثر آن یک کارگر با هویت «فاتح درویشی» اهل جوانرود کشته و ۱۷ کارگر دیگر نیز به شدت مجروح شدند. جاده های نا امن و اسقاطی بودن خودروهای نقل و انتقال کارگران همواره از آنان قربانی میگیرد.

۱۷ خرداد

- تعداد زیادی از فعالین کارگری و دوستان و آشنایان مظفر صالح نیا کارگر مبارز که بدلیل ایست قلبی در دوازدهم خرداد ماه جانباخت بر سر مزار وی در بهشت محمدی سنندج گرد آمدند و یاد وی را گرامی داشتند.

- با میزبانی معلمان البرز شماری از معلمان و فعالین کارگری تهران و البرز به پاس

تلاشهای معلمان آزاد شده اسماعیل عبدی، عزیز قاسم زاده جعفر ابراهیمی، طاهر اصغر پور، فرزانه ناظران پور و مسعود زینال زاده در راستای دفاع از آموزش رایگان و حقوق دانش آموزان، بهبود شرایط زندگی معلمان و دفاع از حقوق فعالان صنفی و معلمان زندانی و تلاش های آنان در مسیر تشکیل یابی مستقل جمع شدند و مراتب قدردانی خود را اعدام داشتند.

۱۶ خرداد

- کشاورزان معترض در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت بهای گندم فروخته شده خود از سوی دولت در برابر استانداری خوزستان تجمع کردند.

۱۵ خرداد

- رانندگان خودروهای استیجاری شرکت انتقال گاز ایران، واحد حمل و نقل منطقه یک عملیات انتقال گاز «میان کوه»، در اعتراض به دریافتی کم و وضع معیشتی خود دست به اعتصاب زدند.

- یک کولبر جوان دیگر به اسم هژیر محمود پور اهل شهر جوانرود با تیراندازی مستقیم نیروهای جنایتکار هنگ مرزی در نوار مرزی نوسود کشته شد. به قتل رسید.

- در پی تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی در محور بندرعباس استان هرمزگان به سمت یک خودرو سوختبر که منجر به انفجار و آتش سوزی خودرو شد، دو سوختبر زنده در شعله های آتش جان خود را از دست دادند. کولبران و سوختبران بخشی از کارگران بیکار هستند که بدلیل بیکاری از این طریق خطر آفرین تلاش میکنند لقمه نانی بدست آورند و به جای نان گلوله نصیبشان میشود. تمامی افراد بیکاری، بدون درآمد و کم درآمد باید از مقرری مکفی برای معیشت خود برخوردار باشند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن حق مسلم هم مردم است.

۱۴ خرداد

- امان جلالی نژاد، معلم زندانی بعد از چند روز حبس در قرنطینه به بند امنیتی زندان شیپان اهواز منتقل شده است. بر اساس گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، علیرغم ثبت قرارداد وکالت، بعد از گذشت بیش از ۵۰ روز از زمان بازداشت و باتوجه به عدم ارسال پرونده به دادگاه همچنان دسترسی به پرونده ممکن نیست. بدین ترتیب او تا زمان تشکیل دادگاه و تبدیل قرار در بلا تکلیفی به سر می برد. امان جلالی نژاد، معلمان زندانی، کارگران دربند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- بر اساس احضاریه ای که در تاریخ ۵ خردادماه سال جاری توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان کرج صادر شده است، جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات فرهاد



در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند و با شعارهای اعتراضی خود و فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" زندگی ای بهتر و انسانی را طلب کردند.

در اهواز بازنشستگان با راهپیمایی در خیابان و شعارهایی چون "نه تهدید، نه زندان، نیست جلودار ما"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "عدالتی ندیدیم ما دیگه رای نمیدیم" و فراخوان به اتحاد فضای پُرشوری از اعتراض شکل دادند. نظیر همین اعتراض را در اصفهان از سوی بازنشستگان فولاد شاهد بودیم.

تجمعات گسترده، مشترک و متحدانه بخشهای مختلف بازنشستگان با فریاد شعارهای اعتراضی علیه فقر، فساد، سرکوب و دزدیها و برای داشتن معیشتی انسانی، بیش از پیش راه بازگشت اعتراضات مردمی به خیابان را باز میکند. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه و سد محکمی در برابر سرکوبگریهای حکومتند. از مبارزاتشان حمایت کنیم و به صف اعتراضشان بپیوندیم.

مندرج در ژورنال شماره ۷۵۳

تجمعات شورانگیز و گسترده بازنشستگان - شهلا دانشفر

یکشنبه ۲۰ خرداد روز اعتراضات گسترده بازنشستگان بود. اعتراضاتی به لحاظ کیفی متفاوت که نشانگر پیشرویهایی بیشتر است. در تهران بیش از سه هزار معلم بازنشسته ۱۴۰۰ باردیگر مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. همان بازنشستگانی که در ۲۶ فروردین همزمان با حمله پهبادی و موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل و در فضای امنیتی ای که ایجاد شده بود به خیابان آمدند و پاسخ محکمی به سرکوبگریهای حکومت دادند. روز گذشته همچنین تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی با همراهی دیگر بخشهای بازنشستگان از جمله کشوری، فولادی، مخابرات، صف متحد تری از مبارزه را به نمایش گذاشت. در تهران همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد و کشوری درکنار یکدیگر در مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع داشتند و در حالیکه حکومت با گسترش سرکوب و اعدام میکوشد دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی را بازپس بگیرد و جامعه را عقب بزند، آنها با شعار "تهدید زندان هرگز اثر ندارد" پیام کل جامعه را در مبارزه علیه فقر و فساد و برای رهایی از بساط بردگی و توحش حاکم اعلام داشتند.

"اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" یک شعار مهم اعتراضی بازنشستگان است که خطابشان به همه مردم در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و بساط چپاولگری حاکم است. روز گذشته در کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری در تجمع مشترکشان با فریاد این شعار و دیگر شعارهای اعتراضی خشم و نفرتشان را نسبت به کل بساط جهنمی حاکم اعلام داشتند. بخشهای مختلف بازنشستگان در این شهر به برپایی تجمعی بزرگ برای سه شنبه ۲۲ خرداد فراخوان داده اند.



زنان و مردانی گذاشت که برای رهایی از چنگال جمهوری اسلامی جسورانه به خیابان آمدند و پیمان بسته‌اند تا پایان در صحنه بمانند. حضور پُرنرنگ انقلاب زن زندگی آزادی و فعالین آن در مجامع بین‌المللی بدون شک هر چه بیشتر عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ‌تر خواهد کرد و امکان لابی‌گری این حکومت جانی را محدود خواهد نمود. از همین رو بسیار اهمیت دارد که با کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل همکاری کنیم تا جمهوری اسلامی به پای میز محاکمه کشیده شود.

مندرج در ژورنال شماره ۷۵۱

فراخوان برای ارسال مستندات - حسن صالحی

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل در ارتباط با نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی باتوجه به تمدید مأموریتش از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل، فراخوان خود برای ارسال مستندات به این کمیته را تمدید کرده است.

این کمیته تصمیم دارد حجم زیادی از شواهد و مدارک مرتبط با نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اعتراضاتی که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد، به‌ویژه موارد نقض مربوط به زنان و کودکان را، به طور جامع و مؤثر، مستندسازی، راستی‌آزمایی، تثبیت و حفظ و نگهداری کند. این کمیته درعین حال از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل موظف شده است تا در پنجاه و هشتمین جلسه این شورا، در اسفند ۱۴۰۳، گزارش و توصیه‌های خود را به این شورا ارائه کند.

این کمیته که به تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۱ تشکیل شد، در اولین گزارش خود به شورای حقوق بشر سازمان ملل به تاریخ ۲۸ اسفند ۱۴۰۳ اعلام کرد که عملکرد جمهوری اسلامی از نقض حقوق بشر فراتر می‌رود و مصداق "جنایت علیه بشریت" است. این حقیقتی است که ما بارها بر آن تأکید داشته‌ایم و تأیید این موضوع از سوی یک نهاد وابسته به سازمان ملل یک موفقیت بزرگ برای مردم ایران و یک شکست بزرگ برای جمهوری اسلامی بود.

از سوی دیگر کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل در گزارش خود تأکید داشت که برای پاسخگورکردن و همچنین پیگیری قضایی مرتکبین به جنایت علیه بشریت و ناقضین حقوق بشر مکانیسمی وجود داشته باشد. اکنون بر اساس گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و بر مبنای اصل صلاحیت قضایی جهانی، راه برای پیگرد و محاکمه جهانی جمهوری اسلامی کاملاً باز و هموار شده است.

اینها را باید به حساب دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی و جان‌فشانی‌های

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۰

شیخی، فعال کارگری در تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۴۰۳ در شعبه مذکور برگزار خواهد شد. فرهاد شیخی، پیشتر نیز در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۴۰۲ از بابت اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به دادگاه مذکور احضار شده بود. قرار جلب به دادرسی این فعال کارگری، در تیرماه سال ۱۴۰۲، توسط شعبه ۶ بازپرسی دادسرای هشتگرد صادر شده بود. به احضار فرهاد شیخی و پرونده سازی های امنیتی باید سراسری اعتراض کرد. پرونده امنیتی فرهاد شیخی باید بسته شود.



ومطالبات آنان بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان است. طبق بخشنامه ابلاغی دولت پول گندم باید ۲۴ ساعت پس از تحویل به مراکز خرید بحساب کشاورزان واریز شود. اما طی سال اخیر گندمکاران برای دریافت مطالبات خود با مشکلات جدی روبرو هستند. و اکنون علیرغم گذشت دو ماه به گفته یکی از نمایندگان مجلس ۲۴ هزار میلیارد اعتبار تخصیص یافته تا بخشی از پول گندم کشاورزان پرداخت شود. اما کشاورزان تمام طلبهایشان را می خواهند و کوچکترین باوری هم به وعده هایی که داده میشود ندارند. بعلاوه دولت هر کیلو گندم را به ازای هجده هزار تومان از کشاورز خریداری میکند. قیمت گندم در بازار آزاد کیلویی ۳۴ هزار تومان است.

- به دنبال واژگونی یک دستگاه وانت بار حامل کارگران زن کشاورزی در جاده منتهی به چهار راه آوج شهرستان دزفول در استان خوزستان، ۷ نفر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. بنا بر خبرها هر روز شمار بسیاری از این کارگران در پشت وانت سوار شده و در جاده های نا امن و با کوله باری از خستگی به خانه هایشان میروند و در این راه بارها دچار سانحه شده اند. از جمله در دیماه سال گذشته بر اثر واژگونی یک دستگاه وانت بار حامل کارگران زن کشاورزی در محور دزفول در استان خوزستان، ۹ کارگر زخمی شدند. جاده های نا امن و ماشین های ایاب و ذهاب کارگران از موضوعات مهمی است که همواره قربانی میگیرد.

سه شنبه ۱۵ خرداد

- دختر دیالیزی ۱۴ ساله در شوش در زیر دستگاه دیالیز دچار تشنج گردید و با آمبولانس بدون کولر (کولر خراب) اورژانس به بیمارستان ابوذر اهواز اعزام می شود. مادر این دختر در صحبت هایش از وضع نابسامان بیمارستانها و خرابی سی تی اسکن بیمارستان نظام مافی در شوش و نبود اکو در آنجا خبر داد. یک اعتراضی بازنشستگان و همه مردم به نداشتن بیمارستان و امکانات درمانی مناسب است.

- امان جلالی نژاد، معلم زندانی بعد از چند روز حبس در قرنطینه به بند امنیتی زندان شیپان اهواز منتقل گردید. بر اساس گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، علیرغم ثبت قرارداد وکالت، بعد از گذشت بیش از ۵۰ روز از زمان بازداشت همچنان در بلا تکلیفی بسر میبرد. امان جلالی نژاد، معلم زندانی، کارگران دربند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

دوشنبه ۱۴ خرداد

- پارک ملی کرخه در استان خوزستان طعمه آتش سوزی گسترده شد. در این آتش سوزی بخش وسیعی از درختان این منطقه حفاظت شده از بین رفتند. بعداً با کمک مردم آتش سوزی مهار گردید. هر سال اخباری از آتش سوزی در پارک ملی کرخه منتشر می شود. و این خود موجب خسارات زیادی به مردم میشود.

یکشنبه ۱۳ خرداد

از خوزستان خبر میرسد؟

۱۳ تا ۱۸ خرداد ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۸ خرداد

- عباس دریس، کارگر زندانی در خیزش آبان ۹۸ و از شاهدین کشتار حکومت در نزارهای ماهشهر با اتهام "محاربه" بر پایه اعترافات اجباری به اعدام محکوم شده و این حکم در دیوان عالی جمهوری اسلامی نیز تایید شده است. هرچند او شاکی خصوصی ندارد. قبلاً امکان قصاص برای پرونده وی وجود داشت اما با رضایت خانواده مأمور حکومتی کشته شده، این احتمال کنار رفت. عباس به همراه برادرش محسن دریس بازداشت شده بود که بعداً از اتهام "معاونت در قتل" تبرئه و به اتهام "نگهداری اسلحه" به او دو سال حکم زندان داده شده بود که بعد هم آزاد شد. گفتنی است که همسر عباس دریس و مادر سه فرزند او به دلیل فشارهای ناشی از بازداشت همسرش و صدور حکم اعدام برای او، متأسفانه دچار سکتة مغزی شد و جانباخت. بدین ترتیب پرونده عباس دریس نمونه ای از یک فاجعه تکانهنده انسانی و جنایت حکومت در حق مردم این کشور است. عباس دریس باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

پنجشنبه ۱۷ خرداد

- مجاهد کورکور زندانی سیاسی محکوم به اعدام، پس از گذراندن ۴۵ روز شکنجه های جسمی و روانی در سلول انفرادی زندان شیپان اهواز، به قرنطینه بازگردانده شده است. اما خطر اعدام همچنان بالای سر او قرار دارد. مجاهد کورکور به دلیل فشارهای روانی وارده، دچار مشکلات جدی مغزی و ادراکی شده است. با این حال از سوی مسئولان زندان و مقامات امنیتی از دریافت هرگونه خدمات پزشکی محروم مانده است. قوه قضاییه جمهوری اسلامی، مجاهد کورکور را به تیراندازی ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در ایذه و کشتن هفت شهروند، از جمله «کیان پیرفلک» متهم کرده است.

این زندانی سیاسی اتهامات مطروحه برضد خود را رد کرده و مادر کیان پیرفلک نیز در مراسم خاکسپاری فرزندش تاکید کرد که مأموران حکومتی خودروی آن ها را به رگیار بستند.

- امان جلالی نژاد معلم زندانی اهل زاهدان و ساکن اهواز از بیستم فروردین بصورت بلا تکلیف در زندان است. امان جلالی فر و همه معلمان زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- مریم زلکی از بازنشستگان دستگیر شده در یازدهم اردیبهشت ماه در اهواز، همچنان در زندان بسر میبرد. دستگیری بازنشستگان معترض از جانب حکومت خشم وسیع مردم را برانگیخته است.

چهارشنبه ۱۶ خرداد

- کشاورزان در اهواز در اعتراض به عدم دریافت پول گندمهای فروخته شده به دولت مقابل ساختمان استانداری در شهر اهواز تجمع کردند. این تجمع با هجوم نیروهای سرکوب حکومت روبرو شد. اما کشاورزان به اعتراض خود ادامه داده و میگفتند: حکومت گندم ما را غارت کرده و پول ما را تحویل نمی دهد.

طبق گزارشات امسال کشاورزان حدود ۱۲ میلیون تن گندم تحویل دولت دادند

۲۰ خرداد: تجمعات هزاران نفر از بازنشستگان در شهرهای مختلف

در تهران، اصفهان، اهواز، کرمانشاه و شوش بازنشستگان تجمع کردند

سخنرانی کرد و سخنان او با کف زدن شرکت کنندگان مورد تایید قرار گرفت. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "از خوزستان تا گیلان، مرگ بر مدیران"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "کشور و غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "تامین اجتماعی، از انحصار دولت آزاد باید گردد"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنیم همین"، "معیشت، درمان، نابودتر از هر زمان"، و "هراختلاس رو میشه، چندتا مسئول پشتشه". بخش های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه برای روز سه شنبه به تجمع مشترک و بزرگی برای فریاد دردهای مشترکشان فراخوان داده اند. اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد یک شعار مهم تجمعات این بازنشستگان است که خطابشان به همه مردم در اعتراض به فقر و بی تامینی و بساط چپاولگری حاکم است.

در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی، کشوری و فولاد در کنار هم تجمع داشتند و با شعار "تهدید زندان هرگز اثر ندارد" پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت دادند. این بازنشستگان در اعتراض به فقر و بساط چپاولگری حکومت شعار میدادند: "قناعت، ریاضت، تحمیل شده به ملت!"، "صندوق خالی کردند، ما را بیچاره کردند!".

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش در گرمای بالای پنجاه درجه تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "کشور شده چند پاره بخور بخور تو کاره"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، و "تنگ ما تنگ ما مخبر الدنگ ما". راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در اعتراض به فقر، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز و نامساعد، به فساد و غارت، به تبعیض و نابرابری ها بود.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۰ خرداد ۱۴۰۳، ۹ ژوئن ۲۰۲۴

امروز ۲۰ خرداد یکی از روزهای پر جنب و جوش اعتراضی بازنشستگان و تجمعات بزرگشان در شهرهای مختلف بود. در این روز در تهران بار دیگر سه هزار معلم بازنشسته ۱۴۰۲ با شعار "فریاد فریاد از اینهمه بیداد" جلوی وزارت آموزش و پرورش تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع هنگامیکه نیروی انتظامی قصد مداخله داشت با هو کردن جمعیت روبرو شد. این بازنشستگان به بی پاسخ ماندن مطالباتشان آنهم بعد از سی سال خدمت معترضند. تجمع قبلی آنها در ۲۶ فروردین درست در هنگامیکه حکومت پهلادها و موشکهایش را به طرف اسرائیل روانه کرد و در فضای بشدت امنیتی ای که ایجاد شده بود برگزار شد و در آن ده هزار بازنشسته شرکت داشتند.

خواستههای فوری این بازنشستگان عبارتند از: پرداخت پاداش بازنشستگی که یک سال تاخیر داشته است، پرداخت معوقات حقوق مربوط به زمان اشتغال، اجرای صحیح، کامل و سریع قوانین برای محاسبه حقوق بازنشستگی، پرداخت معوقات حقوق مربوط به زمان بازنشستگی، پرداخت معوقات تغییر رتبه در زمان شاغلی و اعمال احکام تغییر رتبه در حقوق بازنشستگی و پرداخت معوقات مربوط به آن، اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای سبد معیشت سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و اختلاسها و دزدها.

امروز بیستم خرداد همچنین جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد اصفهان دست به تجمع زدند و با فریاد شعارهای "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، و "نه مجلس، نه دولت نیستند بفکر ملت" راهپیمایی کردند و فضای پر شوری از اعتراض را شکل دادند. بازنشستگان فولاد در اهواز نیز تجمع داشتند.

از سوی دیگر در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی در همراهی با بخش های دیگر بازنشستگان به روال یکشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تامینی در شهرهای اهواز، شوش، تهران و کرمانشاه تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان کشوری و مخابرات نیز شرکت داشتند و یکی از بازنشستگان پیرامون فقر و پیامدهای آن

در خوزستان چه میگذرد؟...

از صفحه ۱۲

بازنشستگان در اهواز با فریاد "اجرای همسان سازی بدون حقه بازی" پیگیر مطالباتشان شدند. بره های این تجمع بازتابی از اعتراض بازنشستگان به فقر و سطح نازل حقوقها بود. یک مطالبه مهم بازنشستگان اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به سطح نرخ سبد معیشتی بالای سی میلیونی است.

- بازنشستگان صنایع فولاد خوزستان در اهواز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد دست به تجمع زدند. اعتراض به فقر، بی تامینی، سطح نازل حقوقها، اعتراض به دزدی ها و اختلاس ها و امنیتی کردن مبارزات موضوعات مشترک اعتراضات همه بازنشستگان است. بازنشستگان شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، یکشنبه ها همین"، "مجلس سرسپرده گراونی را آورده"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد".

- کارگران ارکان ثالث شاغل در دستگاه حفاری «۹۱ فتح (در پای کار، در اعتراض به دستمزد اندک، عدم اجرای طبقه بندی شغلی و دیگر مطالبات شغلی خود دست به تجمع زدند.

واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۱۸ خرداد ۱۴۰۳، ۷ ژوئن ۲۰۲۴

- گروهی از کارگران ارکان ثالث شاغل شرکت ملی حفاری ایران با خواست حذف پیمانکاران و برای پیگیری مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان این شرکت در اهواز تجمع کردند. جمعیت آنها به سیصد نفر میرسید. اهم مطالبات صنفی کارگران، حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل فاز دوم طرح طبقه بندی مشاغل، تخصیص بدون تبعیض بن کارت و مزایا و بهره مندی از تسهیلات بانکی همانند سایر ارکان نفت و... می باشد.

- جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی همانند یکشنبه های هر هفته در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و برای پیگیری خواسته هایشان در اهواز و شوش نیز تجمع داشتند. بازنشستگان در شوش شعار میدادند: "حجاب حجاب شعارشون، دروغ و دزدی کارشان"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"، "گرونی تورم، بالای جان مردم"، "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "تنگ ما تنگ ما مخبر الدنگ ما"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "کشور شده چند پاره بخور بخور تو کاره"، تامین شده چند پاره بخور بخور تو کاره"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون". بازنشستگان در شوش از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند.



گزارشی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی

آکسیون بزرگ در مقابل کنفرانس سازمان جهانی کار در ژنو اعتراض به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار

روز هفتم ماه ژوئن برابر با هجدهم خرداد ماه آکسیون و میتینگ اعتراضی علیه حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار در میدان ملل در شهر ژنو برگزار شد.

۱۹ اتحادیه و سندیکا از کشورهای دانمارک، سوئد، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و سوئیس با میلیون ها عضو پشتیبانی خود را از تظاهرات ۷ ژوئن که از طرف " کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی ۷ ژوئن در ژنو" سازمان داده شد، اعلام کرده بودند. در این میتینگ اعتراضی از احزاب و نیروهای سیاسی مختلف و نهادها و اکتیویست های کارگری شرکت داشتند. از جمله هیات هایی از حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق اقلیت و حزب حکمتیست در این تظاهرات ایستاده حضور داشتند. نسرین رمضانعلی و آذر شیبانی اجرا کننده برنامه بودند. هیئت کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) نیز از شرکت کنندگان در این آکسیون اعتراضی بود. حضور این کمپین با پوسترهایی از کارگران و معلمان زندانی و نیز معترضینی که در لیست اعداها هستند، با پوستری از لیست ۸۴ نهاد در حمایت از محکومین به اعدام مواد مخدری و پوستر بزرگی با نوشته "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود و لوگوی فری دم ناو برجسته بود.

در ابتدای این میتینگ اعتراضی سرود انترناسیونال پخش شد و در بخش ابتدایی آن نمایندگانی از اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف نظیر فرانسه، سوئیس، دانمارک، انگلیس و سوئد در همبستگی با کارگران ایران و علیه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی پیام دادند. در این آکسیون اعتراضی از احزاب و نیروهای سیاسی مختلف و نهادها و اکتیویست های کارگری شرکت داشتند. که حمایت کننده این حرکت اعتراضی بودند، پیام دادند و پیامهای آنها به زبان فارسی ترجمه شد. بعلاوه نمایندگانی از اتحادیه های کارگری که شرکت کننده در اجلاس ای ال او بودند از جمله از سنگال و نیجریه به میتینگ پیوستند و با کارگران و مردم ایران اعلام همبستگی کردند. شعبان محمدی از اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که به تازگی به اروپا آمده است یکی از سخنرانان این میتینگ اعتراضی بود و او ضمن اشاره به سرکوبگریهای حکومت در قبال معلمان، کارگران و مردم معترض در ایران اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار اعلام داشت. شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، عباس ماندگار عضو این کمپین که از کانادا آمده بود، و هاشم فاضلی عضو دیگر (free them now) در کشور سوئیس سخنرانی کردند. همچنین ناصر کشکولی به عنوان عضو حزب کمونیست کارگری و نمایندگانی از احزاب سیاسی دیگر در این میتینگ اعتراضی سخنرانی داشتند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) دو دهه است که با حضور فعال خود در اعتراض به عضویت سازمان جهانی کار در آی ال او در مقابل اجلاسهای سالانه آن تجمع میکند و در سالهایی موفق به ورود به داخل سالن برگزاری کنفرانس و گشایش آن با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی شده است. اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار یک کارزار مهم فری دم ناو است. تا کنون اتحادیه های کارگری متعددی از کشورهای کانادا، سوئیس، و استرالیا و کمپین های سیاسی شناخته شده ای در سطح جهان از این کارزار اعلام حمایت کرده اند. تصویب قطعنامه ای با خواست اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او در پنجاه و دومین کنوانسیون اتحادیه کارگران خدمات عمومی بی سی جی ای یو که در روزهای ۲۸ ماه مه تا اول جون در کانادا برگزار شد آخرین نمونه آن بود.

این قطعنامه همراه با لیستی از اتحادیه ها و حمایت کنندگان کارزار برای اخراج جمهوری اسلامی، در کنار نامه های اعتراضی فری دم ناو به سازمان جهانی کار و نهادهای بین المللی و نیز بیانیه های کارزار جهانی علیه اعداها در ایران و اقدام مشترک ۸۴ نهاد در حمایت از محکومین به اعدام مواد مخدری و نیز نامه های اعتراضی فعالین کارگری از ایران از جمله اسنادی بودند که توسط هیئت فری دم ناو به شورای عالی حقوق بشر و سازمان ملل و آی ال او ارائه شد و در آن بر ادامه کارزار بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراجش از این سازمان تاکید گردید. کمپین برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تا موفقیت کامل آن ادامه خواهد یافت.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (free them now)
۸ ژوئن ۲۰۲۴ - ۱۹ خرداد ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

روز هفتم ماه ژوئن برابر با هجدهم خرداد ماه آکسیون و میتینگ اعتراضی علیه حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار در میدان ملل در شهر ژنو برگزار شد.

۱۹ اتحادیه و سندیکا از کشورهای دانمارک، سوئد، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و سوئیس با میلیون ها عضو پشتیبانی خود را از تظاهرات ۷ ژوئن که از طرف " کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی ۷ ژوئن در ژنو" سازمان داده شد، اعلام کرده بودند. در این میتینگ اعتراضی از احزاب و نیروهای سیاسی مختلف و نهادها و اکتیویست های کارگری شرکت داشتند. از جمله هیات هایی از حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق اقلیت و حزب حکمتیست در این تظاهرات ایستاده حضور داشتند. نسرین رمضانعلی و آذر شیبانی اجرا کننده برنامه بودند. هیئت کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) نیز از شرکت کنندگان در این آکسیون اعتراضی بود. حضور این کمپین با پوسترهایی از کارگران و معلمان زندانی و نیز معترضینی که در لیست اعداها هستند، با پوستری از لیست ۸۴ نهاد در حمایت از محکومین به اعدام مواد مخدری و پوستر بزرگی با نوشته "جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود و لوگوی فری دم ناو برجسته بود.

در ابتدای این میتینگ اعتراضی سرود انترناسیونال پخش شد و در بخش ابتدایی آن نمایندگانی از اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف نظیر فرانسه، سوئیس، دانمارک، انگلیس و سوئد در همبستگی با کارگران ایران و علیه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی پیام دادند. در این آکسیون اعتراضی از احزاب و نیروهای سیاسی مختلف و نهادها و اکتیویست های کارگری شرکت داشتند. که حمایت کننده این حرکت اعتراضی بودند، پیام دادند و پیامهای آنها به زبان فارسی ترجمه شد. بعلاوه نمایندگانی از اتحادیه های کارگری که شرکت کننده در اجلاس ای ال او بودند از جمله از سنگال و نیجریه به میتینگ پیوستند و با کارگران و مردم ایران اعلام همبستگی کردند. شعبان محمدی از اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که به تازگی به اروپا آمده است یکی از سخنرانان این میتینگ اعتراضی بود و او ضمن اشاره به سرکوبگریهای حکومت در قبال معلمان، کارگران و مردم معترض در ایران اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار اعلام داشت. شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، عباس ماندگار عضو این کمپین که از کانادا آمده بود، و هاشم فاضلی عضو دیگر (free them now) در کشور سوئیس سخنرانی کردند. همچنین ناصر کشکولی به عنوان عضو حزب کمونیست کارگری و نمایندگانی از احزاب سیاسی دیگر در این میتینگ اعتراضی سخنرانی داشتند.

حمایت از اعتراضات مردمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و سرکوبگریهای حکومت اسلامی و تشدید اعدام ها برای عقب زدن مبارزات مردم و اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی این حکومت سرکوب و اعدام محور اصلی سخنرانی ها بود. شهلا دانشفر در سخنان خود با اشاره به فضای انقلابی جامعه و فریاد مردم برای تداوم انقلاب اعلام کرد که اعتراض ما نه فقط به حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس معین بلکه به عضویت این رژیم آپارتاید جنسی، این رژیم سرکوب و جنایت و ضد کارگر و ضد انسان در این سازمان است و بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراج آن از تمام نهادهای بین المللی و محاکمه سران جمهوری



دیدار با شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو

ساعت ده صبح هفتم ژوئن برابر با هجدهم خرداد هیاتی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) که عبارت بودند از شهلا دانشفر سخنگوی این کمپین و بهنام فاضلی و هاشم فاضلی از اعضای این نهاد در کشور سوئیس، با مسئول بخش خاورمیانه شورای حقوق بشر سازمان ملل انیس کنعانی دیدار کردند و اعتراض خود را به مداخلات سازمان ملل با حکومت اسلامی اعلام نمودند. در این دیدار شهلا دانشفر در مورد سرکوبگریهای حکومت در قبال کارگران و مردم ایران در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی و موج اعدامها با هدف عقب زدن اعتراضات مردمی صحبت کرد. در همین رابطه مجموعه اسنادی شامل نامه های اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، بیانیه اقدام مشترک هشتاد و چهار نهاد در حمایت از محکومین به اعدام مواد مخدری، و نیز ترجمه انگلیسی نامه هایی از فعالین و تشکلهای کارگری از ایران در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار را به مسئول حقوق بشر سازمان ملل ارائه داد. نامه سرگشاده رضا شهابی و داود رضوی از زندان و نامه جمع هایی از فعالین کارگری، معلمان و فعالین دفاع از حقوق کودک در همین رابطه و نیز نامه هشت تشکل کارگری و اجتماعی در سال گذشته به سازمان جهانی کار با خواست اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان از جمله نامه های ارائه شده به شورای حقوق بشر سازمان ملل بود. در همین راستا بهنام فاضلی بطور مبسوط تری توضیحاتی در مورد اقدام مشترک هشتاد و چهار نهاد در حمایت از محکومین به اعدام مواد مخدری ها داد و اعتراض ما را به همکاری سازمان ملل با جمهوری اسلامی تحت عنوان کنترل توزیع مواد مخدر اعلام داشت. همچنین هاشم فاضلی در مورد کارزار جهانی نه به اعدام در ایران صحبت کرد. شهلا دانشفر با اشاره به گزارش کمیته حقیقت یاب سازمان ملل که جنایات جمهوری اسلامی را جنایت علیه بشریت خوانده است و نیز موج اعدامهایی که حکومت اسلامی به راه انداخته است بر بایکوت جهانی رژیم اسلامی و اخراج آن از تمام نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار تاکید کرد.

بدنبال این سخنان انیس کنعانی با تشکر از این دیدار و گفتن اینکه آنها بخوبی از این موضوعات با خبرند و دنبال میکنند و هم اکنون فوکوس آنها بر روی اعدام ها در ایران است، اعلام داشت که تلاش میکنند که نکات مورد بحث در این نشست را در گزارش ماه ژوئیه و اکتبر خود بازتاب دهند. در پاسخ به این سخنان شهلا دانشفر گفت که ما میدانیم شما مطلعید. میدانیم که سازمان جهانی کار نیز از این موضوعات با خبر است و همینطور سازمان ملل، بنابراین بسیار شرم آور است که رژیم جمهوری اسلامی، این

حکومت آپارتاید جنسی، حکومت اعدام و کودک کش و ضد کارگر و ضد بشر در سازمان جهانی کار همچنان عضو است و هم اکنون هیات آن در این اجلاس شرکت دارد. ما تاکید کردیم که می بینید که مردم در برابر جنایات حکومت ایستاده اند و در اعتراضات هر روزه خود ادامه انقلاب را فریاد میزنند. بنابراین با قدرت مبارزات مردم ما کارزار خود برای بایکوت جمهوری اسلامی و بیرون انداختن آن از سازمان جهانی کار را دنبال میکنیم. تجربیات تاریخی ای چون اخراج نمایندگان حکومت فاشیست هیتلری در سال ۱۹۳۰ و نیز بایکوت جهانی حکومت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی نیز ممکن بودن آنرا نشان میدهد. انیس کنعانی از ملاقات ما با این نهاد تشکر کرد و گفت که جواب رسمی ای در این مورد نمیتواند بدهد اما شخصا متوجه نکات مورد بحث ما هست و به سهم خود تلاش خواهد کرد که بازتاب دهنده آن باشد. بدنبال این دیدار ما نسخه هایی از نامه های ارائه شده در پوشه ای که همراه داشتیم را به سازمان جهانی کار و سازمان ملل نیز تحویل دادیم.

فری دم ناو، کمپین برای آزادی کارگران زندانی کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت جهانی این حکومت جنایتکار و ضد انسانی را تا موفقیت کامل دنبال میکند. تا هم اکنون شمار زیادی از اتحادیه های کارگری از این سیاست حمایت و همراهی خود را ابراز کرده اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now)
۸ ژوئن ۲۰۲۴ - ۱۹ خرداد ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

پیام شهلا دانشفر به مراسم گرامیداشت مظفر صالح نیا در استکهلم



این چنین است که درگذشت او قلب همه را به درد آورد و در میان انبوه جمعیت مردمی با سرود انترناسیونال بدرقه شد.

مرگ مظفر صالح نیا یک شوک برای همه ما بود و قلب همه را به درد آورد. مرگ او ضایعه ای بزرگ و دردناک است. یادش گرامی باد.

شهلا دانشفر

مظفر صالح نیا در دوازدهم خرداد ماه در اثر ایست قلبی جانباخت. درگذشت این عزیز را به خانواده اش و به همگان تسلیت میگویم. مظفر را می شناختم. انسانی رزمنده، مهربان و دوست داشتی بود.

سوسیالیستی بدون تخفیف نسبت به مصائب این نظام بیرحم استعمار و بردگی که تبعیض و نابرابری را بر نمی تافت. او عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و سازمانده اعتراض بود.

مظفر سازمانده اول ماه مه ها و هشت مارس ها در سنج سرخ بود. او در اعتراض به کارتن خوابی محلات را سازمان داد. او مبارزه علیه اعدام و همراه دادخواهان بود. او یار زلزله زدگان در کرمانشاه بود. او برآستی فریاد زن زندگی آزادی بود.

بخاطر همین مبارزات بود که مظفر همواره مورد خشم حکومتیان بود. بارها دستگیر شد، احضار شد، تهدید شد. اما او ایستاد و به راهش ادامه داد.



گلرخ ابرایی از زندان: این است فضای انتخاباتی دیکتاتورها

«یکی از آن‌هایی که به مردم شلیک کرد من بودم، ما کشتیم. حالا چه کسی می‌خواهد ما را محاکمه کند؟»

این بخشی از دیالوگ یک فیلم نیست. حسن نوروزی، یکی از چند نایب رییس کمیسیون قضایی مجلس جمهوری اسلامی است که این‌طور از کشته‌شدگان آبان سخن می‌گوید. حالا همین فرد نامزد کرسی ریاست جمهوری است. هم او و هم دیگر نامزدها به همین راحتی به مردم شلیک می‌کنند و در اوج بی‌عدالتی، کسی توان محاکمه‌شان را ندارد.

مثل: مصطفی پورمحمدی که در دهه ۶۰ دادستان هرمزگان، کرمانشاه، خوزستان و خراسان بود و صدای قهقهه‌اش در هیات مرگ و چانه‌زنی‌اش بر سر اعدام انسان‌ها، برای همیشه در گوش ما و در گوش تاریخ خواهد پیچید. چهره‌ای که علاوه بر بودن در هیات چهار نفره مرگ، نقشی پررنگ در قتل‌های زنجیره‌ای نیز داشت. پس از خیزش و در روزهایی که بسیاری را کشته و زخمی کرده بودند و جوانان را به دار می‌کشیدند، او بر ضرورت بازسازی ساختار فرهنگی جامعه تاکید داشت. حال نیز با مدارک شناسایی‌اش وارد ستاد انتخابات کشور شد تا مبدا از قافله عقب بماند.

سعید جلیلی، بدون کمترین توان و تجربه برای اداره کشور، فرمان‌بر و تحت امر خامنه‌ای، و احتمالاً گزینه تعیینی موردنظر او برای پست ریاست جمهوری.

وحید حقانیان، مباشر اصلی خامنه‌ای، در موردش همین بس که در اعتراضات سال ۱۳۸۸، سپاه ثارالله و سپاه محمد رسول‌الله را علیه معترضان سازماندهی می‌کرد.

اعتراضاتی که در پی سرکوب بی‌امانشان، بسیاری کشته یا دچار نقص عضو، بسیاری مفقود و بسیاری به حبس‌های طولانی محکوم شدند و بسیاری را وادار به ترک وطن کرده و زخم‌های آن بر تن‌های بسیاری و بر جان‌هامان تا پایان خواهد ماند.

علیرضا زاکانی که هر آن‌چه از فساد مالی و عملکردش از یاد برود، حضورش در جنایات «کوی دانشگاه» و سوءاستفاده از کودکان کار و زباله‌گرد به عنوان نیروی کار ارزان، در دوره مدیریت او در شهرداری از ذهن پاک نخواهد شد.

مهرداد بذریاش که به جای محاکمه و پاسخ به فساد و زمین‌خواری ارتقای مقام یافت.

محمدباقر قالیباف، شخصیتی مشهور در میان مفسدان مالی، چماق‌کشی که برخورد گاز انبری با دانشجویان در خیابان در جنایات کوی دانشگاه از افتخاراتش است و احضار، بازجویی و بازداشت روشنفکران و روزنامه‌نگاران از دیرباز در کارنامه‌اش ثبت شده است.

محمود احمدی‌نژاد که پس از عملکردش در دهه ۶۰، در ترورهای برون‌مرزی و در شهرداری تهران و تعطیلی مراکز فرهنگی و تأسیس مراکز مذهبی و سینه‌زنی، با دریدن راهپیمایی سکوت معترضان و خس و خاشاک خواندن مردم، رییس دولت شد. مردی که بی‌پرنسیب بودن را مردمی بودن ترجمه کرد و بر اصول آن دولتی را بنا کرد که هشت سال اداره امور را در دست داشت.

و زهره الهیان که پیش‌تر به دلیل مخالفت مراجع تقلید با حضورش در تصدی وزارت، کناره‌گیری کرد و مورد تقدیر علما قرار گرفت و حالا در پی چند دهه سرکوب و تحقیر زنان و طرد شدن‌شان از عرصه سیاسی به دلیل عدم اجماع رجال بر سر تفسیر واژه «رجلیت» (و در پی خیزشی با حضور گسترده زنان و نقش محوری‌شان در خیابان و تصمیم رجال بر حضور نمادین زنان در لیست کاندیداتوری انتخابات، ایفای این نقش را بر عهده گرفته است.

و بسیاری دیگر که اعلام حضور کردند و شرح عملکرد و پیشینه‌شان بر کسی پوشیده نیست. ما این فضای هولناک را و تصدی این قماش افراد در مناصب دولتی و حکومتی را زندگی می‌کنیم و کشته می‌شویم و قاتلان مان نه تنها مجازات نمی‌شوند بلکه در سازمان ملل برایشان مراسم یادبود برگزار می‌شود. این است فضای انتخاباتی که دیکتاتورها ایجاد می‌کنند تا بتوانند در عین دیکته کردن خواست خود به جامعه، مدعی مشارکت مردم در سرنوشت خود باشند.

گلرخ ابرایی - زندان اوین - خرداد ۱۴۰۳ (از مدیای اجتماعی)

نشان دهیم که رای ما سرنوشتی جمهوری اسلامی است. نمایش مسخره انتخاباتی ارزانی خودشان با! در هشتم تیر بار دیگر با صدای بلند می‌گوییم «خامنه‌ای قاتله، حکومتش باطله»، «رژیم اعدام نابود باید گردد»، «حکومت زن ستیز نابود باید گردد»، «حکومت بچه کش نابود باید گردد!»

در مراکز به اصطلاح رای‌گیری در خارج کشور جمع می‌شویم تا ضمن اعتراض به مضحکه انتخاباتی رژیم، صدای انقلاب زن زندگی آزادی و صدای همه کسانی باشیم که به خاطر آزادی و رهایی به خیابان‌ها آمدند و توسط این رژیم جنایتکار به قتل رسیدند. برای آزادی، برای یک زندگی بهتر، برای پایان دادن به اعدام و جنایات سازمان‌یافته حکومتی، برای برانداختن آپارتاید جنسیتی، برای ریشه کن کردن فقر و ناداری روز ۲۸ ژوئن (۸ تیر) به خیابان‌ها می‌آییم و با اتحاد و یگانگی خود در همه جا شعار سرنوشتی جمهوری اسلامی و نابودی کل نظام ستم و تبعیض و اعدام را سر خواهیم داد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام،

۱۸ خرداد ۱۴۰۳ - ۷ ژوئن ۲۰۲۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

نابودی کل نظام شعار ماست!

بعد از مرگ آیت الله قاتل حالا رژیم می‌خواهد از طریق برگزاری یک سیرک انتخاباتی دیگر در ۸ تیر ۱۴۰۳ (۲۸ ژوئن ۲۰۲۴) جانشینی برای قصاب تهران تعیین کند.

همه ما می‌دانیم که با سرکوب بیرحمانه آزادیهای سیاسی و مدنی، انتخابات در جمهوری اسلامی هیچ معنایی ندارد. حتی خودی‌هایشان را هم از همین الان مورد تهدید قرار داده‌اند که مبدا «انتخابات» را تحریم کنند یا علیه کاندیداهای مورد نظر خامنه‌ای انتقادی بکنند. مشتی قاتل و جنایتکار را بطور گزینشی در مقابل مردم می‌گذارند و از مردم می‌خواهند که به یکی از آنها رای دهند تا برای رژیم شان مشروعیتی دست و پا کنند. اما ما پاسخ تقلاهای این رژیم در مانده را با انقلاب و اعتراض داده ایم. در خیابانها آنجا که فریاد زدیم «جمهوری اسلامی نابود باید گردد»، «ایستاده ایم تا پایان» و «خامنه‌ای ضحاک میکشیمت زیر خاک!»

در تداوم شادی از مرگ رئیسی، در روز ۸ تیر (۲۸ ژوئن) یکبار دیگر به جهانیان